



مجلس شورای ملی ایران - تهران

پیام کارگر

شماره ۴۴

بها معادل ۶۰ ریال

سال سوم نیمه اول خرداد ۱۳۶۸

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

دفاع از جان زندانیان سیاسی زن

بدعوت جمعی از زنان ایرانی در برلین، در دفاع از ۸۳ نفر از زنان زندانی که خطرا اعلام زندگی آنها را تهدید میکند، نشست مشترکی با زنان مترقی آلمانی تشکیل شد. از جمله تصمیمات این نشست، سازماندهی یک آکسیون اعتراضی جلوی پارلمان برلین در روز دوشنبه ۸ ماه مه بود که در آن بیش از ۱۰۰ نفر شرکت کردند. نمایندگان این جمع از زنان ایرانی و آلمانی، قطعنامه آکسیون را به نماينده حزب DSA دادند. در ضمن قرار گردید که یک کنفرانس مطبوعاتی بدعوت همین حزب تشکیل شود. در همین روز، رادیو SFB و همچنین رادیو "صد برلین"، با خواننده زندانیان سیاسی مما حبه کرد. علاوه بر آن، گزارشی از وضعیت زندانیان سیاسی زن در ایران را بخش نمود.

پارلمان اروپا برای مردم ایران حکومت تعیین میکند

یک جریان سرکوبگر، ارتجاعی و ضددمکراتیک نیز دعوت میکنند. در واقع نیزکنه مسئله در همین جا است. پارلمان اروپا تا جایی که به محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران می پردازد، تا جایی که نسبت به اعدا مهسا اعتراض میکنند و تا جایی که خواهان برقراری دموکراسی در ایران میشود، نمی تواند مورد حمایت هر ایرانی که برای آزادی و دموکراسی، و برای حقوق اجتماعی و مدنی مردم بیکار میکند، قرا رنگبرد. روشن است که این اقدامات با بدمورد استغاده فعلا لانه پوزیسون انقلابی قرا گرفته و بعنوان اهرم فشار بر جمهوری اسلامی برای وادار کردن وی به عقب نشینی و بنا براین بهبود شرایط عمومی بیکار رتوده ها، بیکار گرفته شود. اما اکنون نمایندگان رای دهنده پارلمان اروپا که بخش بزرگی از آنها را نمایندگان احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات تشکیل میدهند به خود اجازه داده اند تا علاوه بر محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر نقض دموکراسی یک نیروی ارتجاعی و

پارلمان اروپا در اجلاس عمومی خود در تاریخ ۲۴ ماه مه سال جاری با تصویب قطعنامه ای با اکثریت ۳۰۰ رای از مجموع ۵۱۸ نماینده رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نموده و از کشورهای عضو سازمان مشترک میخواهد که شورای ملی مقاومت تحت رهبری مسعود رجوی را بعنوان نماینده مسردم ایران به رسمیت بشناسند. با این اقدام، سازمان مجاهدین که مدت ها ست در مناسبات دیپلماتیک خود با غرب خواهان پذیرفته شدن بعنوان آلترناتیو رژیم اسلامی است و پس از اخراج رجوی از فرانسه و کستجای نظامی در مرز ایران و عراق و گرایش غرب به استعفاء رژیم اسلامی و مردان "معتدل" آن نظیر فرستجانی، در این راه در مجموع ناکام شده بود. به یک پیروزی ولو ضامینی دیپلماتیک دست یافت و بدین وسیله البته آشکارا رتده که حضرات طرفداران حقوق بشر در اروپا، هر جا که پای حقوق اساسی سرمایه - داری، یعنی آئینده با زاریک کشور ۵۰ میلیونی در میان باشد، اروپای متقدم و دمکرات را به دفاع از

در صفحه ۲

در این شماره:

مما حبه با نماینده کنگره ملی آفریقا

بخش دوم در صفحه ۱۰

در صفحه ۶

پیام آوران رنج و امید

در حاشیه کنسرت موسیقی سنتی و محلی ایران در کلن

در صفحه ۷

گزارش کنسرت شجریان

و علیزاده در برلین غربی

در صفحه ۸

نقد کتاب

زیبا، اما نه چندان بجا

نقدی بر کتاب "پروا ز در چاه"

اطلاعیه مطبوعاتی:

درباره مرگ خمینی

صفحه ۱۶

منتظری زداشی همچنان ادامه دارد

دربی برکناری منتظری از مقام "ناشیب امام"، منتظری زداشی در سطح وسیع درجا معن نیز آغاز شد. ابتدا عکسهای وی را از کناره عکسها و خمینی پاشین کشیدند و بدستمال آن مقالات، سخنرانیها و مما حبه ها علیه او در مطبوعات پدیدار گردیدند. روزنامه کیهان نیز که از سال گذشته "سلسله بحثهای منتظری" را روزانه چاپ میکرد، به قطع آن اقدام نمود. نمایندگان منتظری از ادارات و دانشگاهها اخراج شدند و بسیاری از طرفدارانش در سبزه ها و کمیته ها دستگیر. دفتر او در شهرستانها تعطیل و اخیرا حسابهای بانکی وی نیز بسته شدند و این امر همچنان در چاه رجوی بحرانی که حاکیست رژیم را در برگرفته ادامه دارد.

در صفحه ۱۲

تلگرام اعتراضی به پارلمان اروپا

رئیس پارلمان اروپا، استراسبورگ آقای محترم. ضمن پشتیبانی از محکومیت حکومت اسلامی در پارلمان اروپا به دخالت پارلمان شما در تعیین جانشین حکومت ایران که جز نقض حقوق اولیه مردم مملکت ما نیست شدیداً اعتراض میکنیم. مردم ایران هیچگاه خواهان استقرار حکومت سازمانی که کوچکترین اعتقادی به دمکراسی ندارد بجای دیکتاتور مذهبی کنونی نیستند.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران

(راه کارگر)

۲۶ مه ۱۹۸۹

ناتو: میلیتاریسم

در تنگنا

علیه اعدا و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

پارلمان اروپا

برای مردم ایران حکومت تعیین میکند

فددمکراتیک را که به صراحت داده به برقراری یک دیکتاتور فاشیست مآبانه دیگر در ایران دارد بعنوان تنها نماینده مردم این کشور معرفی کنند. این اقدام بیجا نگرچه هدفی است و در شرایط کنونی به چه معنی است؟

تردید نیست که کارزار حقوق بشر و دفاع از دموکراسی که از سوی کشورهای غربی بکار گرفته میشود به خاطر ارات این کشورها به مردم تحت استبداد دویی حقوق کشورهای دیگر نیست، بلکه اساساً اقدامی است در جهت رفعمردکشورهای کسی ممکن است با انقلاب، شرایط بهره‌کشی سرمایه - دارانه و مناسبات اقتصادی با غرب در دراز مدت به خطر افتد. در مورد جمهوری اسلامی نیز کشورهای با زار مشترک اروپا، ضمن داشتن روابط اقتصادی و سیاسی کم و بیش حسنه با آن، از محکوم کردن آن توسط نهادهای سیاسی ای که مصوبات آنها اجباراً جزائی ندارد، نظیر پارلمان اروپا، خودداری نکرده و دائماً فشار سیاسی مستقیم و غیرمستقیم را با مناسبات اقتصادی و سیاسی عادی همراه کرده اند. این سیاست پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران نیز متناسب با شرایط به پیش برده شد. در آن زمان، با زار مشترک بهترین راه حل استعجال رژیم، یعنی معقول شدن نسبی وی بلحاظ مناسبات با غرب دانسته و به آلترا ناتیوها مثل مجاهدین کمپری می نمود بیویژه که آلترا ناتیوها با قربانی کردن همه چیز خود نتوانست راه میزبان به تهران را آنطور که ادعا میکرد پیبوده و به کسب سریع قدرت موفق شود، بلکه برعکس با تحمل شکستی نظامی و سیاسی، بیش از پیش از اعتبار اقتصادی، طرح استعجال رژیم که راه چاره غرب و نور امید بسیار از "میهن پرستان" و "دموکرات"ها و حتی با اصطلاح "جبهه" بود، مانا نشانی یک ارزیابی عینی بر اساس تعادل قوای جناحهای مختلف رژیم و وضعیت عمومی سیاسی نبود و با روشن شدن همه جانبه، توهماً استعجال که با قتل عام زندانیان سیاسی و سپس صدور فتوای قتل سلمان رشدی، وضوح انکارناپذیری یافت، سازمان مجاهدین که در دور قبلی بیویژه در دعوی استعجال چی ها رژیم، به شیوه همیشگی ارباب و تهدید، درماندگی و شکست مهلک سیاسی در بازی آلترا ناتیوها، یعنی بازی تعیین بهترین بهره و نیروی غرب بسرای آینده ایران را به نمایش گذاشته بود، جست و خیزگان دوباره

اعتراضات دانشجویی گسترش می یابد

تشنج در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور را دربر گرفته است. تشنجات و اعتراضاتی که به سرعت رنگ سیاسی بخود میگیرند و به اشکال عالی مبارزاتی مبدل میشوند. خرد کردن شیشه ها، تحریم غذا، تحریم کلاس، ... برای خواسته های صنفی و سیاسی بگونه ای وسیع صورت میگیرد.

دانشگاه همدان: روز ۱۶ آذر دانشجویان استفاده از سلف سرویس (سالن غذاخوری) را تحریم میکنند. **دانشگاه ملی:** در حرکتی اعتراضی وسایل سلف سرویس شکسته میشود.

دانشگاه علوم پزشکی: کلاسهای ۳ روز متوالی تحریم میشوند و این اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته های متنوع دانشجویان است.

دانشگاه شیراز: افزایش قیمت های ژتون غذا، تحریم غذا خوردن در دانشگاه و امتناع آن نظرها تی محدود را همراهی آورد.

خواستهای دانشجویان بطور عمده در محورهای زیر خلاصه میشود.

۱ - صنفی، همچون پذیرش کمتر در دانشجویان - نبود امکانات کافی آموزشی و رفاهی، ارتقاء سطح آموزش از طریق استخدام استاد های خارجی، اختصاص بودجه ای بیشتر به مسائل دانشجویی، دریا فست کتاب و لوازم التحریر از آن قیمت، کاهش قیمت غذا و سایر لایردن کیفیت آن، افزایش خوابگاه و در اختیار قرار دادن اتاق به دانشجویان شهرستانی انتخابات آزاد برای انتخاب نماینده، اجازت تشکیل گروه های صنفی، رفع محدودیتها در مورد دختران و بیمران و از آن جمله مخالفت با جدا کردن کلاسها و بخشهای آموزشی ...

۲ - سیاسی، که علنی بیان نمیشود و بصورت شعاری نویسی درجای مختلف و یا بطور مخفی طرح میشود شامل: آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و اعدام، انحلال انجمن اسلامی و جبهه دانشگلی آزادی بیان در دانشگاه و مصونیت دانشجویان از تحت تعقیب قرار گرفتن به دلیل مخالفت با انجمن اسلامی و یا دلائل مشابه.



منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه

شماره ۱

به وسط ممر که پریده و با بدست گرفتن شعار ردا دن کوی ایران در سازمان ملل به شورای ملی مقاومت، به جمع آوری امضاء و دادن تضمین های سیاسی به میان غربی خود پرداخت. مدور قطعنا مه پارلمان اروپا با مضمون برسمیت شناخته شدن مجاهدین به عنوان نماینده مردم ایران، اولین و مهمترین نتیجه دور جدید تحریک دیپلوما تیک این سازمان است که معنی روشنی دارد: کشورهای اروپائی و غرب بطور کلی، کما فی السابق از مجاهدین به عنوان اهرم فشار و حماقت تهدید استفاده کرده تا جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی و دادن امتیاز "میان سه رو" شدن بکنند. این اقدام با اکنون از طریق یک پارلمان که اهمیت صورت میگیرد تا جمهوری اسلامی که در چند ماه آئنده یک رشته تغییرات اساسی در ساخت حکومتی خود خواهد داد، حساب کار را داشته باشد، نقش مجاهدین در این بازی آلترا ناتیوها، برخلاف آنچه که اینان به عنوان "پیروزی" آن نام میبرند، چیزی بجز نقش لولوی سرخرمن نیست. مجاهدین عرق ریزان و التماس دعا گویان، همه نیروهای خود را به پای برسمیت شناخته شدن به عنوان نماینده مردم ایران از سوی غرب، صرف میکنند، اما از آن غافلند که حریف زیرک در سبدهای خود بهره های ریز و درشت متعددی دارد که تنها یکی از آنها، یعنی بهره مریم و مسعود، امروزه با گرفته شده و تا بدفردا به کناری انداخته شود!

اما آن جنبه از تصمیم پارلمان اروپا که به تعیین تکلیف برای ایران و سر نوشت سیاسی آن مربوط میشود، از جانب ما محکوم است. هیچکس حق ندارد برای مردم ما نماینده تعیین کند هیچکس حق ندارد هیچ نیروئی را بعنوان تنها نماینده مردم ایران معرفی کند، بیویژه آنهم در کشوری که مردم آن امکان ابراز آزادی اندیشه عقائدات خود و انتخاب نمایندگان خود را نداشته و ندارند، در کشور استبداد دزدانه تاریک فقها، نمایندگان مردم در راس بیکار و براری دمکراسی، ننان و آزادی - بیگاری که در آن سازمان مجاهدین شرکت ندارند. قرار گرفته و تنها این جنبش میتوا ند آنها را تعیین کند. ما از همه ایرانیان آزاده و دموکرات، و از همه سازمانهای سیاسی دعوت میکنیم که با اعتراض وسیع و همه جانبه خود به نمایندگان پارلمان اروپا، به شدت با رای این نمایندگان و تلاش ارتجاعی ضد دمکراتیک آنها برای تعیین حکومت آئنده ایران مخالفت کرده و آن را افشاء کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

۱۳/۵ درصد کاهش در ارزش صادرات غیر نفتی

● رژیم اعلام نمود که ارزش صادرات غیر نفتی ایران حدود ۱۲/۵ درصد، در مقایسه با سال قبل، کاهش داشته است. این کاهش در شرایطی صورت گرفته است که سال قبل رژیم علاوه بر صادرات کالاهای نفتی مقدار متناهی کالاهای غیر نفتی دیگر شامل میوه، تره بار، ... را صادر کرده است.

جمهوری اسلامی در طی سال گذشته جمعاً ۱۱۷۲ هزار تن کالاهای غیر نفتی به ارزش ۹۷۱ میلیون دلار صادر نموده است و در مقابل ۱۲ میلیارد دلار انواع کالا و اجناس به کشورهای دیگر صادر کرده است که مقدار قابل ملاحظه‌ای از این مبلغ به صورت "بوزانس" (وامهای اعتباری موقت) از چند کشور اروپایی صورت گرفته. در همین حال رژیم اعلام نمود که طی سال گذشته توانسته است از طریق صادرات نفت خام مبلغ ۱۱/۸ تا ۱۲/۵ میلیارد دلار ارز وارد کشور کند که نسبت به سال گذشته افزایش نشان میدهد.

هم‌اکنون جمهوری اسلامی روزانه ۲/۷ بشکه نفت خام تولید میکند که از این مقدار ۱/۹ میلیون بشکه به خارج صادر میگردد. مقدار ارز دریافتی از بابت آن ماهانه ۸۷۰ تا ۹۳۰ میلیون دلار میباشد. در همین حال گمرک جمهوری اسلامی اعلام نمود که صادرات فرشهای دستی ایران به لحاظ ارزش، به نسبت سال قبل ۴۵/۵ درصد کاهش داشته است. قابل ذکر است که طی سال گذشته بیش از ۷/۵ هزار تن فرش پشمی دستباف ایران به ارزش ۳۸۷ تا ۲۱ میلیون ریال (۳۱/۸۵ درصد کل صادرات) به جهان صادر شده است. طی همین زمان معادل ۱۳۹۳۲ میلیون دلار بسته و مغزی بسته به خارج صادر شده که به نسبت سال قبل ۴۶/۴۵ درصد کاهش نشان میدهد. شمش مس نیز از دیگر کالاهای صادراتی ایران است که آن نیز به نسبت سال قبل ۴۰/۹۷ درصد کاهش داشته است.

بنابراین گزارش، کاهش و ریزش کالای است که در این زمینه افزایش نشان میدهد، طی سال قبل رژیم با صادرات ۲۶ تن خوابا حدود ۲۸۵۴ میلیون ریال ارزش حاصل شده است. این مقدار به نسبت سال قبل ۷۰/۹ درصد افزایش داشته است.

در این سال برخی از مسئولان رژیم مدعیند که نرخ تورم در ایران به ۹۰ درصد رسیده است. طبیعی است با افزایش روز افزون ما بحتاج عمومی نرخ تورم همچنان سیر صعودی داشته باشد. طی سال گذشته بسیاری از کالاهای طبق گزارش روزنامه‌های رسمی کشور تا ۴۰ درصد افزایش نرخ داشته‌اند. افزایش روزانه نرخها در جمهوری اسلامی امری است که هیچ‌گاه در طول حیات آن، شکل ثابت و یاکا کاهش نیافته است.

●●●●●●●●

— رژیم اعلام نمود که ۴۰ درصد به قیمت پروازهای داخلی و ۱۰ درصد به قیمت پروازهای خارجی افزوده است. گفتنی است که در همین حال مسافرانی که توسط هواپیمای صدرخروج از کشور دارند، علاوه بر ۱۰ هزار تومان عوارض گذرنامه ۴۰ هزار تومان بابت عوارض فرودگاهها باید بپردازند.

قرارداد دیک میلیا ردو ۸۵ میلیون دلاری با ایتالیا و ژاپن

دولت ایران جهت احداث پالایشگاه با ظرفیت ۱۵۰ هزار بشکه در روز، با کنسرسیومی متشکل از چند شرکت ژاپنی و ایتالیایی قراردادی به مبلغ یک میلیارد و ۸۵ میلیون دلار امضاء نمود. طبق این قرارداد هفتمین پالایشگاه ایران احداث و ظرف ۴۰ ماه آینده راه اندازی خواهد شد. در احداث این پالایشگاه ۲۵۰ تکنسین خارجی شرکت دارند.

در همین زمان مطبوعات رژیم گزارش داده‌اند که بدعوت ایران ۵ شرکت ژاپنی و چهار شرکت افرانسه، ایتالیا و انگلستان و کره جنوبی، به ایران آمده‌اند تا در مناقصه طرح ۵۰۰ میلیون دلاری ایران برای بازسازی تأسیسات نفتی جزیره خارک شرکت کنند. قابل ذکر است که نیمی از اسکندهای نفتی جزیره خارک در طول جنگ ایران و عراق از بین رفته‌اند.

کلیه آخوندها بیمه درمانی میشوند

نفرتنها بعلت فقر مالی میمیرند. در حالیکه بیس از سالها مبارزه هنوز صدها هزار کارگر در ایران فاقد دفترچه بیمه هستند. دولت اعلام میدارد که "روحانیون سران کشور تحت پوشش بیمه درمانی سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفتند" و "روحانیون را و طلب بیمه شدن" تنها با ارائه معرفی نامه‌ای از "یکساز" از مراجع تقلید، حوزه علمیه و مدارس علوم دینی، ائمه جمعه و یا سازمان تبلیغات بیمه خواهند شد.

جنگی مجروح شدند

در برخی عرصه‌ها، فعالیت رژیم شکل حادثه‌تری بخود گرفته است. رژیم برای ذخیره نظامی خویش در مقابل خطراتی که احساس میکند، با شنیدن جواب ردا از مردم به دانش آموزان روی می‌آورد تا با برانگیختن آهنگارها و احکامات آنان در جهت ذخیره نیروی نظامی، به نقشه‌های شوم خویش جامه عمل بپوشاند. چند صبا حسی دیگر بر عمر خویش بیفزاید.

خدمات درمانی و پزشکی نیز به سرما بیه داران سپرده میشود

برای هر طرح "وام میدهد" (کیهان ۱۱ رده بیست) بر اساس این طرح متقاضیان و واجدین شرایط میتوانند در مراکز پزشکی و درمانی سرمایه‌گذاری کرده و مراکز خصوصی در این رشته را گسترش دهند. دولت از طریق "بانک ملت" تا ده درصد سود حاصله از چاپیدن مردم را ماحب خواهد شد.

روستائیان استان فارس تنها یک پزشک زن دارند.

از کل پزشکان زن این استان تنها یک نفر در مناطق روستایی خدمت میکند و برای هر سه هزار نفر جمعیت این استان تنها یک پزشک وجود دارد. با استناد به این آمار ۵۸/۳۳ درصد خانوارهای مناطق شهری ۶۰/۱۳ درصد در سطح روستا از برق استفاده میکنند.

تحصیل رایگان به شیوه اسلامی

● رژیمی که مدعی است به "پارهنه‌ها" و "گوش نشینان" تعلق دارد، رژیمی که مدعی است، آموزش و پرورش را با بیان دوره متوسط رایگان است، طی سال گذشته ۲۶ میلیارد ریال از دانش آموزان شهریه گرفته است.

مسئولین رژیم از یک طرف به مدارس بخشنامه میکنند که حق دریافت شهریه ندارند و از طرف دیگر به بهانه‌های مختلف هر ماه مقدار متناهی پول از والدین دانش آموزان طلب میکنند.

اگر می‌نمایند مجلس در این مورد اسلام داشت که پرداخت شهریه، چندین بار در سال صورت میگیرد و اصولاً گرفتن شهریه فعلی مدته ".

با این همه اخذ آنچه عیان است اینگونه دانش آموزان نه کلاس دارند، نه کتاب و دفتر، و فضای آموزشی، از لطف فقها روز به روز تنگتر میگردد.

آخوندها همه چیز را برای خویش میخواهند.

آنچه که نفعی در آن باشد، ده سال عمر رژیم آخوندی نشان داده است که حرف و شعار تنها برای فریب زحمتکشان است، آنچه که در عمل واقعی نشان میدهد، همانا ثروت اندوزی و غارت اموال مردم است.

در حالیکه میلیونها نفر از جمعیت ایران فاقد بهداشت، بیمه و درمانند و در حالیکه هر روز هزاران

۶ دانش آموز در ترمین جنگی مجروح شدند

● بنا به گزارش کیهان ۵ اردیبهشت، بدینحال استفا ده گلوله جنگی بجای فشنگ مشتکی توسط مربی آموزش، ۶ دانش آموز مدرسه را هنگامی بدر تهران، در حین آموزش نظامی مجروح شدند که حال یکی از مجروح شدگان وخیم است.

این عمل که در چارچوب سیاست نظامی گری رژیم صورت میگیرد، با پایان جنگ و تشدید بحران،

● بدنیاال سیردن معادن، کارخانجات، کشاورزی و آموزش و پرورش... به بخش خصوصی، دولت اعلام نمود که "جهت گسترش خدمات پزشکی در کشور بویژه در نقاط محروم"، "به کلیه پزشکان ایرانی مقیم کشور و یا خارج که فاقد سرمایه لازم برای احکامات بیمارستان، درمانگاه و دیگر مراکز پزشکی هستند"، "در قالب عقود اسلامی تا سقف سه میلیارد ریال

● با انتشار گزارشی از شمار استانهای کشور، اعلام شد که در سال ۱۳۶۵ استان فارس سه میلیون و ۱۹۳ هزار و ۹۰۰ نفر جمعیت داشت که از این تعداد ۵۰/۹ درصد در مناطق شهری و ۴۷/۱ درصد در مناطق روستایی ساکنند. از کل جمعیت استان ۴ درصد غیر ساکن میباشد. بر طبق همین آمار ۹۱۶ پزشک مرد و ۱۸۴ پزشک زن در این استان مشغول بکار هستند.

ها بگذارد و ابتدا آنچه را که تاکنون گفته ایم در چند بند تکرا رکنیم و آنگاه به بررسی مسئله سازمان‌داری هواداران بطور مشخص بپردازیم:

— هوادار رفتنی است که به کلیه دست‌آوردان سازمان که عضو آن نیستند اطلاق می‌شود و بی‌تکلیف و ارتباط و هوادارانی است.

— هوادار در تشکیل سازمان می‌باید که به خارج از سازمان حزبی بوده و از این لحاظ تابع انضباط حزبی و هرگونه انضباط دیگری جز آنچه خود تعیین می‌کنند نیستند.

— هوادار بعنوان حلقه اتصال شکل حزبی و

سیاست‌گذاری مستقل انتخاب می‌کند. جنبش سازمانی می‌باید همه وظایف حزبی را در دستور کار خود گذارد و به آنها عمل کند. طبیعتی است که با انحلال ارگانهای هواداران متعهد و عضوگیری از میان آنان رده‌شکلیاتی هوادار متعهد و ساخت سازمانی متناسب با آن برای هم‌سازمان برداشته می‌شود. بنا بر این دیگر هواداران را به دلیل هوادار بودن آنها، یعنی صرفاً ارتباط ایدئولوژیک - سیاسی، بدور هم جمع نکرده و آنها را متشکل نمی‌کنیم، بلکه آنها را بر اساس کارکردی که درجا معده‌دارند، برای پیش بردن خط و برنامه سازمان در محیط اجتماعی خودشان هدایت می‌کنیم.

انحلال گروه‌های "هواداران متعهد" که پس از پلنوم مهوما ۶۶ کمیته مرکزی سازمان انجسام یافت، پاسخ قطعی درقبال مسئله تفکیک روشن مرزهای سازمانهای حزبی و غیرحزبی و نیز معضل سازماندهی هواداران بود. با این همه این اقدام بمعنی پایان یافتن همه‌جانبه‌سازمان گذشته و جاسافتادن سیاست جدید نبوده و علاوه بر رشته محدودیت‌های عملی و ابهامات نظری هنوز بعنوان مانع برای سرتمحیح خط هواداری سازمان وجود دارند. ما در این نوشته به اختصار به تشریح سیاست سازمان درقبال هواداران و اشکال سازماندهی آنها می‌پردازیم.

سیاست ما در قبال هواداران و سازماندهی آنها

تشکلهای توده‌ای و دمکراتیک غیر وابسته به حزب عمل می‌کنند.

— سازماندهی هواداری بر اساس هویت اجتماعی هواداران انجام می‌شود و نه بر اساس هوادار بودن آنها، یعنی هویت سیاسی آنها.

آنچه که فوق‌تکرار شده معنی آن است که ما به لحاظ نظری، هوادار را در خارج از سازمان حزبی تلقی می‌کنیم، از وی انتظار انضباطی و وظایف و مسئولیت پذیری او و وظایف نزدیک شکل غیرحزبی که اساساً در فعالیت توده‌ای شرکت می‌کنند را می‌بیم و وظیفه سازمان حزبی راه‌های فعالیت این فعالیت است میدانیم. با این حال، در خارج از کشور در عمل مسئله‌های اساسی قابل حل نیست، زیرا در اینجا همانطور که گفتیم سازمان‌نگری توده‌ای از پیچیدگی‌های معینی برخوردار است. با این مشکلات واقعی چگونه برخورد کنیم؟

در پاسخ بگذارید به اصل تنوع سازماندهی هواداران که ناشی از تنوع دلایل هواداری و هویت متنوع هواداران گوناگون است، رجوع کنیم. در خارج از کشور ما چه هوادارانی داریم، آنها از چه رو هوادار ما هستند، به چه نوع فعالیت‌کنند (داوطلبانه) دارند و... هواداران سازمان در خارج از کشور غالباً مهاجرین سیاسی هستند که بدلیل قبول مواضع سازمان‌ها در آن هستند و می‌توانند در مجموعه متنوعی از فعالیت‌های دمکراتیک بعنوان پناهنده، زن، دانشجو، هنرمند و غیره شرکت کنند، بسیاری از هواداران نیز به این تمایل دارند که به راهی از وظایف حزبی مثلا تبلیغ و ترویج، گذاشتن میزکتاب و... را به عهده بگیرند. علاوه بر مناطقی هنوز واحدهای پایه سازمانی ایجاد نشده اند و یا اگر چنین واحدهایی وجود دارند، به لحاظ کمی و کیفی نمی‌توانند بدون مشارکت هواداران وظایف حزبی خود را به خوبی انجام دهند، بنا توجه به این تصویر اکنون می‌توانیم باره‌ای از اشکال سازماندهی هواداران را نام برده و خصوصیات هر کدام را تشریح کنیم:

الف - در مناطقی که واحدهای پایه سازمان هنوز ایجاد نشده‌اند، میتوان دونوع شکل هواداری را

یعنی آنها تشویق و راهنمایی می‌شوند که خط سازمان را در محیطها و تشکلهای توده‌ای که بمناسبت هویت اجتماعی خود در آنجا حضور دارند پیش ببرند و طبعاً برای چنین کاری نوعی از سازماندهی بسط معنی‌ها همگام کردن فعالیتهایشان را پیدا خواهند نمود. این سازماندهی چیزی شبیه فراکسیونهای حزبی در تشکلهای توده‌ای و غیرحزبی است. اگرچه مشمول انضباط و مقررات مربوط به فراکسیونهای حزبی که تحت کنترل و احزاب حزبی مربوطه هستند نمی‌شوند. در عین حال برای روشن شدن جایگاه دقیق سازماندهی هواداری، باید فاصله آنها را از تشکلهای دمکراتیک و توده‌ای نیز بخوبی ترسیم نمود. تشکلهای دمکراتیک و توده‌ای آنگونه‌ها از تشکلهای غیرحزبی هستند که در مقایسه با هواداران از سازمان فاصله بیشتری دارند. به زبان دیگر اگر همه هواداران، اتوریته‌سیاسی و معنوی سازمان را می‌پذیرند و به درجات مختلف در اجرای برنامه‌ها آن می‌کوشند، تشکلهای توده‌ای و دمکراتیک از استقلال خود از سازمانهای سیاسی جانبداری کرده و لزوماً در جهت تحقق اهداف آنها مبارزه نمی‌کنند. بنا بر این هواداران، ضمن قرار داشتن در خارج از مرزهای سازمان حزبی، نوعی حلقه اتصال این سازمان با تشکلهای دمکراتیک و توده‌ای هستند و حسی در شرایطی بعنوان اهرم مهم بین سازمان برای فعالیت توده‌ای و دمکراتیک عمل می‌کنند. این واقعیت مهم نیز در سازماندهی هواداران باید همواره در نظر گرفته شود.

اگر بپذیریم که هواداران بعنوان هدف اصلی بین سازمان حزبی و تشکلهای دمکراتیک عمل می‌کنند و برای پیش بردن فعالیت خود در درون تشکلهای توده‌ای نیز به هم‌هنگی و لاجرم متشکل شدن دارند و این سازماندهی نه بر مبنای هوادارانی آنها که بر اساس هویت اجتماعی آنها، مثلاً بعضی‌ها زن دانشجو، زن و... صورت می‌گیرد.

در اینجا ممکن است از ما پرسیده شود که مقصود از شکل هواداران و یا دانشجو چیست، و به چه مقصودی چنین تشکلهای ایجاد می‌شوند، چگونه فعالیت می‌کنند و غیره... در پاسخ بدان پرسش

عنوان هوادار در ادبیات چپ ایران غالباً کسانی اطلاق می‌شود که بدون برخورداری از حقوق تشکلهای معنای عضو، با پذیرش این یا آن درجه انضباط و بعضاً حتی در حد کارهای حرفه‌ای، در درون تشکلهای مسئولیت گرفته و مبارزه سیاسی می‌کنند. گسست با این بینش دقیقاً از همین تعریف شروع می‌شود. از نظر ما هوادار به کسی گفته می‌شود که در خارج از مرزهای سازمان حزبی و بنا بر این بر اساس متعهد و انضباط و وظایف غیرحزبی، به اشکال مختلف و به درجات گوناگون، از یک سازمان سیاسی جانبداری می‌کند. از این رو، هرکس که به میزان، ولو مشروط و محدود، از طرفداری می‌کند، هرکس در مورد این یا آن هدف سیاسی با ما همدلی دارد و هرکس که بسزای تحقق برنامه‌ها ما در راستای عمومی آن بیکار می‌کند هوادار سازمان است. چنین هواداری ممکن است تنها بخاطر دلچسپی به رزمندگان شهید سازمان یا ما را بطبع عاطفی داشته باشد و حتی درک روشنی نیز از برنامه و ایدئولوژی سازمان نداشته باشد، و یا به لعکس قبلی صاحب نظر باشد که در این یا آن زمینه سیاسی و ایدئولوژیک از اعضای سازمان نیز توانا تر است. تنوع هواداران و دلایل هواداری آنها در عین حال ملازم با تنوع پایه‌های اجتماعی آنهاست. هم‌اکنون هواداران سازمان به لحاظ جایگاه اجتماعی گونه‌گونی قابل ملاحظه‌ای را بنمایش می‌گذارند، زنان، دانشجویان، پناهندگان، هنرمندان و... با توجه به این تنوعات، سازماندهی هواداران در چارچوب یک خط مشی مبتنی بر کار شده‌ای و عطف توجه به بیرون، نسبتاً پیچیده بوده و در خارج از کشور یعنی در محیطی که کار توده‌ای مختصاً ویژه‌ای دارد این پیچیدگی دوچندان است. با این همه، اصل تنوع در اشکال و شیوه‌های سازماندهی هواداران باید همواره راهنمای ما در این امر باشد.

مطلب مهم دیگری که باید بدرون شود، همان‌جا که یگانه تشکلهای هواداری می‌باشد. ما با ختم دادن به سیاست "هواداران متعهد" و انحلال واحدهای آنها به این مسئله مراجعت داریم که سازمان پایه‌های حزبی تنها و تنها از اعضای سازمان ایجاد می‌شود و هویت خود را از توانایی اش در برنامه‌ریزی

سیاست مادر قبال هواداران و سازماندهی آنها

دا و طلبا نه در خودگردآ و رند و طبعاً به عنوان تشکل -
 هائی دا و طلبا نه در مورد برنا مه های مطالعاتی خود
 به صورت دمکراتیک تصمیم بگیرند. از این رو این
 تشکل نیز به تشکل تشکلیه تشکلهای هوا داری، تابع
 ضوابط دمکراتیک معمول بوده و هر چند که رابطه
 فشرده ای با واحدها به داشته باشد، تابع انضباط
 ویژه حزبی نیست. در عین حال مادر قبال محافل
 مطالعاتی برنا مه روشنی داریم، این محافل
 میتواند در صورت تمایل این برنا مه را بپذیرند و
 تراجزها و کلابها اجرا بگذارند. برنا مه ما که در هر
 مورد با ید بطور مشخص تدوین شود در خطوط عمومی
 عبارت است از مطالعه ما رگسیم - لتینسیم، مطالعه
 ادبیات شورویک سازمان، بحث درباریه مواضع
 سازمان، بحث در مورد مقالات سیاسی "راه کارگر" و
 "پیام کارگر" و نیز بحث در مورد مسایل مربوط به
 فعالیت سیاسی در منطقه، علاوه واحدها به میتواند
 بصورت دوره ای نماینده ای را به جلسه محفل
 مطالعاتی فرستاده و به رفقا در مورد فعالیتها ی خود،
 سیاستهای سازمان ویا هرگونه مباحثه مورد علاقه آنها

فراکسیونها فعالیت نمی کنند، در صورتیکه تعداد
 کافی از آنها وجود داشته باشد، سیاست ما تشویق
 آنها به فعالیت متشکل با مضمون کار دمکراتیک
 می باشد. اگر در یک منطقه چندینا هنده، دانشجویی
 هنرمند هوا دا وجود دارند، واحدهای پایه می -
 بایست آنها را به ایجا تشکل با مضمون فعالیت در
 میان بنا هندگان، دانشجویان ویا فعالیت های
 فرهنگی و هنری تشویق کنند و به آنها در راستای این
 فعالیت ها یاری برسانند. بنا بر این هسته های
 هواداری با مضمون فعالیت اجتماعی - نظیر
 کار در میان بنا هندگان، زنان، دانشجویان و غیره -
 بیشتر بصورت یک فراکسیون غیر حزبی و مستقل و به
 عنوان هسته سف و یا یادر تشکلهای دمکراتیک در
 خارج از کشور عمل میکنند، سیاست عمومی مادر قبال
 هسته های هواداری، احترام به استقلال آنها، خودداری
 از دخالت در فعالیتها ی آنها و در عین حال بسیاری

بعنوان حقوق ممکن بر سر مرد، اول تشکلهای که
 دا و طلبا نه انضباط کامل حزبی را می پذیرند و تحت
 هدایت کمیته خارج ویا ارگانهای رهبری وابسته به
 این کمیته نظیر واحدهای سازمانی مناطق نزدیک،
 فعالیت میکنند. این تشکلهای هر چند به معنای دقیق
 کلمه تشکل حزبی نیستند، اما سیاست سازمان باید بویا به
 ارتقاء فعالیت آنها به حد عضو ویا واحدها به
 استوار باشد و بنا بر این بعنوان پدیده ای گذرا و
 تنها به این عنوان می بایست پذیرفته شوند. دوم
 تشکلهای که پذیرای انضباط حزبی نیستند اما در
 پیشبرد برنا مه سازمان به ابتکار خود و به انتخاب
 خود میگویند، اینگونه تشکلهای بعنوان تشکلهای
 هواداری مستقل عمل نموده و لزوما همه جا از همسه
 مواضع سازمان دفاع نکرده و همه سیاستهای آنرا به
 پیش نمی برند، اما در عین حال نر ذاتی عمومی
 خط سازمان عمل میکنند، به آن یاری میرسانند و
 بخشهای از بنیادهای آنرا به لحاظ فعالیت حزبی
 برآورده میکنند. رابطه سازمان با آنها، رابطه ای
 تشویقی و مشورتی است. آنها حق اتخاذ مواضع
 مستقل از مواضع سازمان و حتی مخالفت با این
 مواضع را داشته و سیاستهای سازمان را به تشخیص
 خود به پیش میبرند، از این رو هرگاه آنها در عمل از
 راستای عمومی خط سازمان خارج شوند، سازمان
 میتواند نسبت آنها علناً انتقاد کند، رابطه اش را با
 آنها تنزل دهد و یا آنرا کاملاً قطع کند و آنها را
 هوادار خود نداند.

ب- در مناطقی که واحدهای پایه سازمان وجود
 دارند، هواداران میتوانند وظایف حزبی معینی
 به شرط پذیرش انضباط لازم را بعهده بگیرند و یا در
 فعالیتها ی غیر حزبی شرکت کنند. از این رو هواداران
 را میتوان به شرط پذیرش انضباط سازمانی در کنار
 اعضاء سازمان و برای تحقق وظایف حزبی معین
 سازمان داد. این سازماندهی در گروههای کار
 (میزگرداری، تبلیغ سیر، روابط بین المللی و...) عملی
 میشود و هواداران در این گروهها از حقوق
 مساوی با اعضاء برخوردار بوده، در کلیه محاسبات
 و تصمیم گیریها شرکت میکنند.

شرط اساسی شرکت هواداران در فعالیتها ی
 حزبی معین، تنها پذیرش دا و طلبا نه انضباط مربوط
 به این فعالیت است.

علاوه بر گروههای کار، فراکسیونهای حزبی ما
 برای کار در تشکلهای دمکراتیک نیز میتواند ننسد
 هواداران را به عضویت خود بپذیرند. در این حالت
 نیز شرط شرکت هواداران در فراکسیونها، پذیرش
 انضباط حزبی مربوط به این فعالیت میباشد.
 واحدهای سازمان در قبال آن دسته از هوادارانی
 که در گروههای کار و در فراکسیونها فعالیت میکنند،
 وظیفه خاصی ارتقاء آنها به سطح عضو دار دارند و می -
 بایست برای همه این رفقا، برنا مه یزی و ویژه
 بدین منظور صورت گیرد.
 در مورد هوادارانی که در گروههای کار

ما، هوادار را در خارج از سازمان حزبی
 تلقی میکنیم، از وی انتظار انضباطی دا و طلبا نه و
 مسئولیت پذیری دا و طلبا نه در یک تشکل غیر حزبی
 که اساساً در فعالیت توده ای شرکت میکنند را داریم
 و وظیفه سازمان حزبی را هدایت این فعالیت
 میدانیم. با این حال، در خارج از کشور در عمل
 مسئله به این سادگی قابل حل نیست. . .

توضیح دهد.

در یک کلام محافل مطالعاتی با ید بعنوان
 محل ارتقاء سیاسی و یدولوژیک و تشکیلاتی
 هواداران تلقی شده و واحدهای پایه، با آنها رابطه
 گسترده ای برقرار کرده و کیفیت جلسات آنها را ارتقا
 دهند.

اطلاعات تشکیلاتی که تا کنون در زمینه
 سازماندهی هواداران صورت گرفته اند ناقص
 برجسته ای همراه بودند که مانا کننده در سبب دادن
 هواداران به سمت فعالیتها ی بیرونی میباشد.
 چنین نقشی به میزان کمتری در مورد گسست از
 سازماندهی حزبی هواداران نیز وجود داشته
 است. واحدهای پایه سازمانی می باید بر مبنای
 آنچه که در این مقاله تشریح شده به اجرای سیاست
 سازمان بصورت همه جانبه پرداخته و ابهامات و
 مشکلات عملی خود را بصورت جمع بندی شده در اختیار
 کارگزاران قرار دهند تا بر مبنای آنها اصلاحات و
 تغییرات لازم در سیاست سازمان صورت بگیرند.

رساندن به آنها میباشد. در اینجا نیز سازمان رابطه ای
 تشویقی و مشورتی با آنها داشته و تلاش میکند که آنها
 در راستای عمومی مبارزه سازمان عمل کنند. همین
 رابطه را سازمان در مورد هواداران منفرد خود که
 هر کدام در این یا آن فعالیت دمکراتیک شرکت
 میکنند نیز اتخاذ میکند و تلاش میورد که این
 فعالیتها هر چه منضبط تر و بیکتر صورت بگیرند.

بنا بر این واحدهای پایه سازمان در قبال
 هوادارانی که بطور کامل خارج از گروههای کار و
 فراکسیونها قرار دارند، سیاست سوق دادن آنها به
 فعالیت اجتماعی بصورت متشکل، بر اساس علاقه و
 توانائی شان را دنبال کرده و در اتخاذ این سیاست
 در عین حال همواره رابطه معنوی و تشویقی با آنها
 برقرار میکند. برای اینکه چنین رابطه ای بتواند
 با کارآئی هر چه بیشتر ایجا شود، میتوان به
 هوادارانی که در یک منطقه ویا شهر فعالیت میکنند
 پیشنهاد ایجا محافل مطالعاتی داد. این محافل
 میتواند تشکلیه هواداران یک منطقه را بصورت

در حاشیه کنسرت موسیقی سنتی
و محلی ایران در کلن



پیام آوران رنج و امید

"کودک ایرانی بالائی لائی به آواز دشتی میخوابد، فرزندگان کوچک و بزرگ لایشان را در ابوعطا یا انشاری معرفی میکنند، بنا از همکار خود با شور و هیاهو یا یون یا اصفهان آجر میخورد و گدا از رهگذران با گوشه منصوری تمنا میکند، روح اله خالقی - نشوری موسیقی ایرانی، موسیقی هنری است که با انسان زاده گردیده و بر این اساس تاریخی به قدمت موجودیت انسان دارد. عناصر موسیقی، همه ریشه در طبیعت دارند، عناصری که هیچگاه در زندگی شکل ثابتی نداشته اند.

موسیقی ایران در طول تاریخ چندین بار شاهد تحولاتی بزرگ بوده است. جمله اعراب به ایران را اگر بخوانیم سرفصلی برای این تحولات بشمار آوریم طبیعی است که تحولات دودهدا خیر یا بی آن نخواهد بود. از موسیقی مبتذل عامیانه که بگذریم، هم اکنون دواندیشه بر موسیقی ایران حاکم است. اندیشه ای برای پای میفشارد که نباید از چارچوب سنت یا فراتر رود. این اندیشه با تکیه بر ردیف های سنتی موسیقی ایران با ذهنیتی دگم، کمتر جایگاهی برای نوآوری و نوگرایی قائل است. بدون اینکه توجه کند حتی قراردادهای پذیرفته شده خوان (پیش درآمد، شیوه خوانندگی، نسبت نویسی و...) همه از دست آوردهای موسیقی در سطح جهان هستند. گروه دیگری برون گذاشتن بسیار چارچوب سنت، بخصوص در چند دهه اخیر، هزار چنگگاه پدیده های نوئی را از موسیقی سنتی ایران عرضه داشته اند. این نوگرایی ها و نوآوریها تا کنون چندین بار بغلت عدم حمایت و عدم وجود شرایط و زمینه لازم اجتماعی، بدون نتیجه متوقف مانده اند و در این رهگذر برخی از موسیقیدانهای سنتی با بکارگیری حالاتی از موسیقی محلی ایران و دست آوردهای جهانی موسیقی، ابتداعاتی عرضه کرده اند که در کنار رشا مت و جاسارت، تنها از عهده کسانی برمی آید که بر موسیقی ایران ویرا کنندگی گوی آن احاطه داشته، از موسیقی علمی و دست آوردهای جهانی آن آگاه و خلاقیت لازم را دارند. در میان موسیقیدانهای ایران، حسین علیزاده، با آنچه تا کنون ارائه داده نشان میدهد که چنین فردی است.

استفاده، تلفیق و تا شیراز موسیقی مجلسی دستمایه کار بسیاری از موسیقیدانهای مشهور جهان بوده است. میخائیل گلینکا آهنگساز روس و مره کمانسی هستند که با استفاده از ملودیهای محلی و تلفیق

آن با تکنیک های آهنگسازی غرب، موفقیت های شایانی کسب نمودند. در ایران نیز ردیف های موسیقی سنتی از موسیقی خلقها، در طول تاریخ تا شیراز و ایران برداشته است، از آن جمله اند: دیلمان، کازان، دسبا ویا گوشه های گیلکی، شوشتری و...

با توجه به اینکه آهنگسازی برای ارکستر، در ایران عمر طولانی ندارد و با توجه به اینکه ما زهای ایرانی دارای حالات ویژه ای هستند که تنها با آن حالات درونی را بهتر میتوان بیان نمود و این تعداد بسیار این حجم هیچگاه نمی تواند جوابگوی سفوفنی باشد، آنگاه به عظمت کاری که نوآوران عرصه موسیقی ایران پیش رودا رند، به شرواف خواهد شد.

موسیقی سنتی ایران که تا قبل از دهه چهل اسیر فرمهای قالبی و عملیات تبدیل به یک مجلسی گشته بود، در این سالها، همزمان با تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه متحول گشت و در این راه به یوکه گروهها شی از موسیقی سنتی با گرفتند. از آن جمله اند گروه عارف و شیدا، دو گروهی که به همت لطفی و علیزاده تا سیم گردیدند و هم اکنون با هم ترکیب شده به سرپرستی حسین علیزاده فعالیت دارند. این گروه که درباری و تحرک موسیقی ایران بسیار رکوشیده و در این راه گامهای بسیار مثبتی برداشته، کارخویش را در ابتدای امر با طرد موسیقی مبتذل و عامیانه آغاز و در برابر سست گرایان نیز مرز خویش را مشخص نموده، عملاباحفاظان دگم سنت و ردیف در تقابل قرار گرفت. کار این گروه روحی بود در کالبد موسیقی ایران که در این امر نباید فرورتهای زمانه را فراموش کرد. این جوان تازه با شکستن و فرو ریختن حصارهای تنگ و نمود و تخدیر آ میزد ردیف، خود را از چارچوب تکرارها و سنت رها ننید و در این زمینه به حق موفقیت های شایان و درخوبیست نمود. این گروه پس از انقلاب در چارچوب حصار تنگ فکری فقها و برخی مسائل سیاسی عملاً نتوانست رسالت خویش را بعنوان یک "گروه هنری" انجام دهد. بیورش، زندان، دستگیری شکستن سازها، مهاجرت و... شامل حال افراد زیادی از این گروه نیز گردید. ولی سرانجام در سال گذشته، با گرد هم آتی مجدد افراد این گروه، گروه کارخویش را با اجرای کنسرتی در تالار رودکی، در تهران آغاز کرد. این کنسرت با استقبال بیسابقه ای از مردم رو برو شد. گروه عارف و شیدا تصمیم داد در چند ماه آینده سفری هنری به اروپا داشته باشد.

کنسرت کلن که در اصل سه تن از اعضاء گروه عارف و شیدا در آن شرکت داشتند، (ابن افراطی همین ماه چند کنسرت در برلین، هامبورگ و چند شهر ایتالیا اجرا کرده اند) در دو قسمت اجرا شد:

در قسمت اول حسین علیزاده با سه تار به داه نوازی پرداخت. علیزاده در این اجرا دهنوع کار از خویش ارائه داد. بخش اول قطعاتی را شامل میشد که با داورکارهای اولیه او، بخصوص "نوا" بودند، ولی بخش دوم، قطعه ترکمن "رنگ و بوی دیگری داشت. انسان به همراه "سواران دشت امید" از فراز "حصار" خیز برداشت تا از دشت های "ترکمن" به سوی "نوروز" زندگی پیش تا زد. قطعه ای زیبا و سرشار از تحرک و بویایی، قطعه ای که چون بقیه کارهای علیزاده محرک درون انسان است. برداشتی تازه که از موسیقی نموی ایران مدد میگیرد. جلوه خاصی از یک ملودی ناب. جلوه ای که خلاقیت ذهنی و بندهای علیزاده آشکارا برور کرده است. قطعه ترکمن یک بداهه نوازی در دستگا و آواز گوشه های مختلف است. "دستگاه اصلی که جمله ها و فرودها به آن بازگشت داده میشوند است پنچگاه است. دستگا راست پنچگاه به جز چند نغمه از محدوده (درآمد) که از استقلال و ویژگی خاص برخوردارند، بقیه روند ملودیا به گونه ای وابسته به دستگا و آوازهای دیگری با شننده (مربک نوازی) یا "مدگردانسی" را بطور طبیعی امکان پذیر میکند" (حسین علیزاده - جلد نوا و ترکمن)

در این قطعه در دورنج و تحرک به هم می آمیزند و جلوه های از آینه بیشتر روی شنونده به رقص درمی آیند. و همین آینه نگری است که معنا به دستمایه اکثر کارهای علیزاده، به آنها مفهومی خاص میبخشد. امری که در کار دیگران کمتر میتوان یافت. "زندگی همه ما سرشار از لحظات و حالات متنوع و گوناگونی است که هنرمندان زوکنندنده آنهاست" (علیزاده - ما خذ قبلی) و این "لحظه" هاست که موسیقی علیزاده را با رورتر می کند و آشکارا به موسیقی زمان ارتقاء میدهند. حکایتی نواز دردها ورنجهای مردم به زبان ساز، حکایتی که هیچوقت با محتوی در تقابل قرار نمی گیرد.

علیزاده تنها یک آهنگساز نوآور نیست، او در عرصه نوازندگی نیز سبک ویژه ای دارد و در این امر نیز صاحب سبک است. تسلط او بر حد عالی شی از تکنیک باعث میگرد که پیوندی عمیق با حالتها و احساسات شنونده ایجاد کند. تکنوازی او در این کنسرت نیز چون دیگر کارها به عرصه ای بود از تمامی هیجانات درون انسان در پیوند با معنویت موسیقی و حکایت گردید و رنج و پیام او روح و آزادی است.

در قسمت دوم کنسرت، علی اکبر شکارچی به اجرای موسیقی لری پرداخت که حسین علیزاده با تار و محمد قوی طمببا تنبک وی را همراهی میکرده. موسیقی محلی (قومی ویا خلقها) در اصل، سرگذشت انسانهاست در بستر تاریخ. کار، مبارزه، عشق، پیروزی، شکست، زندگی، مرگ و امید، موسیقی محلی سرایشی است از تاریخ و رویدادها، از آنچه بر مردمان

گزارش کنسرت

شجریان و علیزاده در برلین غربی

در این روزها دو گروه موسیقی از ایران - گروه آوا و محمدرضا شجریان و گروه حسین علیزاده ، شکارچی و قوی حلم در اروپا کنسرت های خود را اجرا میکنند .

استقبال فوق العاده ایرانیان از این دو گروه نشانه گرتوجه هم میهنان ما به موسیقی ایرانی است .

در برلین کنسرت شجریان در روز هفتم ماه مه بود برنامها با قطعات تازه ای آغاز شد و سرانجام با قطعه پیر آواز مرغ سحر به پایان رسید .

همانگونه که پیش بینی میشد بخشی از دوست داران هنر موسیقی ایرانی بعلت کمبود جاسا نتوانستند در شب اول شرکت نمایند و چنین شد که در روز بعد نیز برنامها تکرار گردید . و در مجموع قریب به هزار نفر مشتاق در این دو شب در تالار موسیقی گرد آمدند که بخشی از این جمعیت را آلمانی ها تشکیل میدادند .

هفته ای پس از آن در سیزدهم ماه مه حسین علیزاده در برلین کنسرت خود را اجرا نمود . در بخش اول علیزاده با بدیهه نوازی و تک نوازی سه تار قطعه ترکمن را اجرا نمود . و در بخش دوم موسیقی لری نواخته شد ، تا رعلیزاده کما نچه و آوای شکارچی و تنبک قوی حلم سالن کنسرت را به هیجان آورد . برلین کمتر گواهی چنین استقبال پر شوریه بوده است . این استقبال ها نشان داد مردم ما خواستار موسیقی پرتکا بوم متنوع تری هستند و علیزاده بدرستی به آن پاسخ مناسب را میدهد .

ها لیوود در دادگاه

پانزدهم آذرماه ۱۹۲۷ در تاریخ ها لیوود برای سینمای آمریکا ننگی بزرگ به همراه داشت . در این سال " کمیته فعا لیت های ضد آمریکا " موسیق شدتدا در زیا دی از سینماگران مترقی آمریکا را به جرم فعا لیت و تبلیغات کمونیستی به میزما کسه بکشانند . تعدادی از آنها محکوم به زندان و تعدادی دیگر به پرداخت جریمه نقدی محکوم گشتند و نامشان وارد " لیست سیا " گردید . این اقدامات کسه در کشاکش جنگ جهانی دوم آغاز گشته بود ، با نفوذ روز افزون سوسیالیسم در عرصه جهان ابعاد وسیعتری به خود گرفت . گردانندگان آمریکا فکر میکردند کسه تنها مروتشنگران کمونیست هستند و در این میان هنرمندان سینما جا بجا و ویژه ای دارند . اف بی آی در همین زمان کتابی بنام " دست نشاندگان سرخ " منتشر کرد که در آن از بیش از ۵۰ هنرمند سینما به عنوان " خرابکار کمونیست " نام میبرد . ساخت روز افزون فیلمهای ضد کمونیستی در این سالها یکی از اثرات منفی این کمیته بشمار میرود . همچنین این کمیته موفق شد بسیاری از هنرمندان سینمای آمریکا را به ترک کشور مجبور کند .

و اکنون پس از سالها ، فیلمی ساخته میشود به نام " ها لیوود در دادگاه " که با زسازی ما هرا نه ای است از این محاکمات . این فیلمها که گردانسی دیوید هلبرن جوینورویا همکار ریچان هستند - ساخته شده است . بد نیست دانسته شود که از مشهورترین افراد بررسی کننده پرونده ها ، ریچا رنیکسون ، رونالد ریگان ، روبرت تا پیلور و گری کوپربودند . اخراج چارلی چاپلین از آمریکا و محکومیت برتولت بریشت نیز از اعمال این کمیته بشمار میروند .

بود که در این کنسرت نیز در کنار کما نچه و تنبک (دومالزری) ، تا رنیز حضور می یافتند . به موسیقی محلی غنای بیشتری بخشیده شود . در کنار رعلیزاده و شکارچی با بد نوازی و طم نیز با دگر دگر فردی است ملط بر تنبک و دف نیز مینوازند . استقبال بینظیر تما شا چیان از این بیام - آوران رنج و امید ، که در داخل کشور با دعا دگسترده تری دارد ، ضمن نشانه نگریودن پذیرش مردم در تالار موسیقی سنتی و خواهان تحول در آن ، در داخل زنگ خطر و هشدار باشی است برای آندسته از موسیقیدان های سنتی ایران که اسیر دگم ردیسف ها باند . موسیقی ایران ، برهه حساسی از تاریخ زندگی خویش را میگذرانند ، اگر امروزه این موسیقی نشو اند زمان و رسالت خویش را درک کنند و ظرف لازم را برای آن بیابند ، طبیعی است نه تنها نمی تواند از چها رچوب ایران خارج شود ، بلکه صرفا برای کسانی باقی خواهد ماند که مخدری برای زندگی قهرقراشی خویش می جویند . ارزش کار رعلیزاده و گروه شیدا و عارف در همینجا خود را می نمایانند . با آرزوی موفقیتست برای شان . کلن - دهقان

رفته و اینک حدیثی برای آنان که می زیند ، حدیثی از رنج و عشق انسانها که با سا زدر تنیده ، وا گویند می شود و بر این اساس موسیقیدانها و آوازخوانان محلی راویان تاریخند ، تا ریخند ، تا ریخی عموما نا نوشته - هر خلقی برای موسیقی خویش ابزار ویژه خویش را دارد . در تار رفتن از چها رچوب این ابزار ، یعنی ارائه آن با استفاده و کمک سازهای دیگر ایرانی ، در موسیقی محلی ایران بدیده ای است نوا و لیلین کار در این زمینه ، کاری بودا ز شکارچی به نام " موسیقی خلق لری " . این نوار که کمک علیزاده را نیز به همراه داشت ، سر آغاز یکسری کارهای مشابه در ایران گشت که اکنون برای خویش جا بجا و ویژه ای را دارا است و مقبولیت عامه یافته است . شکارچی که تا چند سال قبل در موسیقی ایران بعنوان نوازنده کما نچه حضور داشت و در این کار از مهارت ویژه ای برخوردار است ، با خیرا به خواندن نیز زوری آورده است ، هر چند حنجره وی با رای مقابله با پنجه های پیش نیست ولی طی این چند سال او نشان داده است که استعداد خواندن نیز دارد . پیشرفت چند سال اخیر وی در این امر شایسته است گویند - ولی شاکر رجا ماندنی وی همانا استفاده از سازهای دیگر ایرانی در کنار ساز محلی است و بر این اساس

اگر میخواهی

ترانه امرا زمزمه کنی
به یاد گوشت بسیار
کعبه دریا می ریزد .

اگر می خواهی

آوازه ایم را بستی
ستاره ای را نگاه کن
که از تب مفر میکند .

اگر می خواهی

شعر ما بغا طربسپاری
به قافله ای گوشت بسیار

که زنگوله زمان را می نکاند
و آهوان را بیدار می کند .

اگر می خواهی

با من بیایی
کوله بار را بگذار
و برهنه به معبد ستارگان تیرباران شده ام بیبا .

س - ۱۳۶۸

شب گان نون نویسنندگان

شنبه بیستم ماه مه " شب گان نون نویسنندگان " در فراتکفورت برگزار شد . در این شب آقا یان پرویز اوصیاء ، اسماعیل خوشی ، م. آ. زرم و تنی جنسند از نویسندگان و شعرا بیرون چونکی شکلگیبری گان نون نویسندگان و نیز برنامها های کنونی آن سخن گفتند و دیدگاههای خود را بیرون چونکی جنسند از نویسندگان نون طرح کردند . نسیم خاکسار بیرون داستان نویسی در ایران سخن گفت و آقا یان ، خوشی آ. زرم ، م. سحر ، سعید یوسف و خاتمینا اسدی شعمر خوانند . با یان بخش برنامها نیز گیتار آقا یان سیروس ملکوتی بود .

جشنواره هنر ایرانی در لندن

بدعت انجمن هنرمندان و نویسندگان ایرانی در بریتانیا جشنواره ای هنری بحدت ۳ روز از چها رشنه سوم ماه مه تا جمعه پنجم ماه مه برگزار گردید . برنامها های جشنواره شامل شعرا و دبیرات ، موسیقی و تار تریود ، در بخش شعرا و دبیرات با زده شا عر و نویسندگانه از جمله اسماعیل خوشی ، هادی خرسندی و ... شرکت داشتند . هدف جشنواره میعاد بود با هنرمندان سرشناس و آشنائی با چهره های جوان هنری . در کنار جشنواره نمایشگاهی از آثار نقاشان ایرانی نیز ترتیب داده شده بود ، بعلاوه غرفه ها ششی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی ، شامل غرفه نمایش عروسکی ، سازهای ایرانی و قالبیجه و فرشهای ایرانی . جشنواره در مجموع خوب و موفق سازماندهی شده بود و ایرانیان زیادی را از همه نوع و تیب که در لندن مقیم هستند به خود جلب نمود . با وجود اینکه بلیط آن نسبتا گران بود ، اما هر شب ۳۵۰ تا ۴۵۰ نفر در آن شرکت مینمودند .

زیبا، اما نه چندان بجا

محمود فلکی داستان نویسی نبود. در زمینه نشر، مواردی که بتوان علائمی از ذهن داستا نپروور و زبان قصه گوی او یافت، به چشم نمیخورد. کسی البته چنین حقی ندارد که ورودش را عروا به عرصه نشر و قصه مورد سوال قرار دهد. فلکی از این ویژگی در کارها هر هنرمند دیگری مستثنی نیست که زبان و شیوه بیان عواطف خود را بیجا بدو برگزیند. یک نکته مهم دیگر اینست که بیجا گفته گذاشت، موضوعی که بنا به عادت بدان دچاریم؛ کسی که قبلا نامی در عرصه ای نخست از قبل محکوم به ضعف نیست.

با اینهمه در مورد "پروا زدرچاه"، مجموعه داستانی که او منتشر کرده، چه میتوان گفت؟ خود این نام "مجموعه" داستان "تا بدما را در قضاوت خود محتاط جلوه دهد. او میتوانست بر مجموعه خود عنوان "طرحها و قصه ها" بگذارد. این امر او را نیز تا حدودی از سبب دفاعی مطمئن تری بهره مند میساخت. بسیار دشوار است که بتوانیم توقعات خود را از این طرحها بنا بر داستان بر آورده کنیم. در خونسردانه ترین حالت، این توصیف امکان پذیر تر است: نویسنده بندی از جلو چشمه ای بر داشته و آنرا به جریان انداخته است. ما که بیاید کمال این جریان را به کمک قلم نویسنده ببینیم، تنها با قطراتی، با خطی از خطوط نامرئی که چشمه را میسازند، مواجهیم. نویسنده حتی در این طرحها و بطورزی که گدا بد ضروری نیست، قصه درونکا و قهرمانان را دارد. حال آنکه در "قطع جیبی" فضا و پرده خنثی و بطور محدود نوشته ها، مجال برای آن نمی ماند. در یک داستان کوتاه با دید پذیرفت که اعمال، دیالوگ ها، توصیف مستقیم شخصیت ها و آرا نه کاراکتر آنها برای بیان و القاء روحيات آنان به خواننده کفایت میکنند. با اینهمه ما پنهان کردن این حقیقت که فلکی در طرح این داستانها موفق نیست جدی داشته است، بی امتنانی به توانا کسی ها و زیبایی های کار او است. طرح "قهرمان داستان" و تا حدودی "گم" او جدا بین خصوصیت اند.

او که به موضوع سیاسی - اجتماعی بفرنجی نظیر آنچه در حزب توده میگذرد پرده خنثی این امتیاز را دارد که از موضع نفی سیاست به تنقید پلشتی های آن نشسته است. اشکال کار او در آنجاست که دیالوگها را تنها در سطح آورده است، دیالوگی که ممکن بود تنها در یک بحث سیاسی خیابانی شاهد آن بوده باشیم. اگر چنین گفتگوهائی، قوازه طبیعی بسه داستان اعطاء کند، بنیاد ما را از کا م گذاشتن به متعهدانه تر بر خردارد. در همین جا است که نویسنده اعتنائی به آن نشان نمی دهد. وقتی نویسنده به بحثی سیاسی یا ... طرح میکند، خود نمای بنده هر دو جانب است و بیجا نگرینده ای ترین مسائل آنهاست وقتی صحبت از ریشه ای میکنیم، به تازه بودن نیرنگ و پرگی هنری کاربرد، توجه داریم. بی اعتنائی ما نداننده کمال بحث، در عین ایجا زونمادی بودن آن، ما را در جای گزارش کرده، یک واقع مطنعی معین می نشاند. امری که با کار آفرین شکر هنری مناسبتی

نقد کتاب

"پروا زدرچاه"

ندارد. این اشکال که در کل مجموعه "پروا زدرچاه" مشاهده میشود بیویژه در یکی از داستانهای آن - داستان ۵۵ صفحه ای "پروا زدرچاه" - بطور برجسته - ای نمایان است. در داستان ۵۵ صفحه ای "پروا زدرچاه" که نمیتوان به زیبایی آن بی تفاوت بود گستره ای در معرض دید ما قرار میگیرد. اما وجود تنها دو قهرمان، دو نفری که محدوده بحث سیاسی با داشته، از "سنگینی" آنها هم میگذرد، دو قهرمانی که تنها حول یک محور "زندگی" میکنند، ما را از گذاشتن نامرمان بر آن بر خرد میسازد. در عین حال، فراع بودن غیر ضروری نوشته، شکل داستانی (کوتاه) آنرا زیر سوال میبرد. نویسنده در واقع در میان دو راهی مانده که هر یک از آنها پیش در آواز دو بیاید و قهرمان را در آید، اما هیچک را نپذیرد. او خود بنحوی بد این امر قوف دارد آنگاه که برای پر کردن جاهای خالی و رفع مفضل تکرار، قهرمانان را به گذشته شان رجعت میدهد، اما به این ترتیب: حال گذشته، حال گذشته و با زحال و گذشته آنها هم مورد تنها همان دو شخصیت (سودا به ودا وود). افراد دیگری هم اگر ودا داستان میشوند تکرار در تجدید خاطرهای همانند می آید. "پروا زدرچاه" را حتی نمیتوان "خلاصه" رمان نامید. این داستان تنها یک مقطع، یک دریچه، یک زمینه، یک طرح از وظائف رمان را بعهده گرفته است.

زبان قصه: در اینجا نیز کمی احتیاط ضروری است. بیویژه از آن رو که نشری زیبا که در جای خود قرار نگرفته زبان آنرا تشکیل میدهد، بیداست که فلکی خود را در جای یک ناقل قصه گوی ایرانیستی قرار نداده در آن صورتی با یاز زبان سنگین، آهنین و حماسی برهیز میبرد. در یک رمان میتوان وقت خود را صرف شما بیرو توصیفات کرد. ولی در داستان و داستان کوتاه، پذیرفتن آن قدری دشوار است. این نشریست اما زبان قصه ای که تکلیف رمان بودن بسا داستان کوتاه بودن را بسا خودش معین نکرده، نیست. "مورچه های اضطراب"، رخنه پذیرترین بخش با روی جان نشان کرده بود ... تردید در گذردن در مجا له اش میگرد ... صدای زنگ، با ردیگر، دانه های مکوت را در چید ... و سکوت برگشود. در حضور چهره که بود سکوت، ما حبا نه بیشتر عذاب میکشید ... میترسید خرده های بیزاری که در نم چشمهایش حل شده بود ... و این ابد با این گفتگو نمیخواند که از ریخت و ریختن نیز می افتد: آره، آره کاری داشتم با تو ... گذشته از اینکه نوعی نزدیکی با نشر "کلیدر" البته نه از موضع شانه - با شی و برابری، که در عین حال تقلید نیست - در آن

میتوان یافت، ولی خود این امر را کرد دولت آبادی به خواننده کلیدر - آری تنها کلیدر - قبولانده، فلکی از پس آن بر نیامده است. موفقیت نشر آل احمد - که در زمانهای او بیگناخت و خسته کننده میشود - دلنشین و حکایت گونه است. او حتی از ما در بزرگ - های فصیح و بلیغ بیشتر میتازد. بزرگ علیوی و خود دولت آبادی در آثار دیگریش، قدرت شگرف نشر داستانهای کوتاه و نوبولها را، بنیاده، بی تکلف و "ما در بزرگ" او را کشف کرده اند. با یاری نام بهرنگی، با قوتی، درویشیان و ... مرهون همیسن شناخت زبان و داستان در آنهاست. شاید فلکی در صورت آزمون نوعی با زی نویسی مخصوص - به سبک تعزیه ها و یا کارهای شکسپیر - میتوانست نشر در اما تیک و حماسی موثری بیاید.

گفتم تا عربودن نویسنده را - که در داستان هم بیشتر خود را شاعر معرفی کرده - در قضا و تمسار دخالت نمیدهیم. با اینهمه ذکر این موضوع ضروری ندارد که در میان شاعران گاه داستان نویسی ("کنده های شکسته" نیما، درها و دیوا و بزرگ چین "تا ملو و ...") جایی برای دست کم گرفتن فلکی نیست. من شخصا مجموعه او را با اشتیاق بیشتری نسبت به دو مثال قبلی به اتمام رساندم. همین قدرت داستان برداری اوست که خوش بینی اگرچه نامطمئن ما را که روزی خواننده داستانهای او در کنار اشعار او با شیم برمی انگیزد. تصویر پردازی، توصیف ها و تیب سازی او را نمی توان نستود، و به همین سبب پرداخت موضوعاتی تازه و عمیق را که در مقام به با موضوع خوبا ما رها شده، "پروا زدرچاه" لذتبخش و توجه بر انگیزانند. او در داستان نخست "پروا زدرچاه" این قدرت را نشان داده که میتواند ما را وادار بدین سوال کند: "و بعد؟". نتیجه نیز تا میزان جدی منطبق با پرداختها و تیب سازی های اوست. درست در پاسخ به همین پرسش، نظاره گر تکه پروا ز (اگر چه به بریزدن درجه شبه شده) قهرمان ما دقسی هستیم درجه ای که تراژدی نا آگاهی، عدم صداقت مدعیان و رهبران، رفته شدن کمترین احساس انسانی درجائی که عاطفه تسلیخ میشود آنرا خرد کرده است. بر راستی بسیار دشوار است که در سطحی کم و بیش عمومی - دروشتی با افتخار افزونتر و درجائی با تعصب فاجعه با ر - ناظر صحنه ای با شیم که بسا و صادقانه، آدمی را بیرحمانه به تاراج میبرند.

س ۰ م ۲۵ فوریه ۸۹

منتشر شده است:
طرح جدید اساسنامه

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



مصاحبه با :

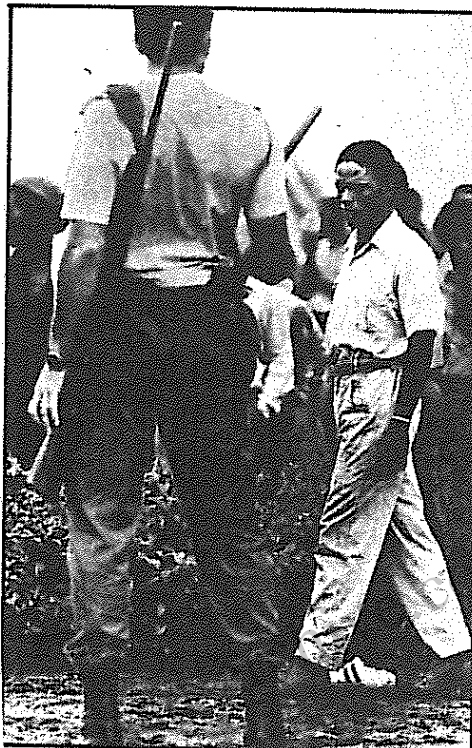
نماینده کنگره ملی آفریقا بخش دوم

س : آخرین اخبار و تحلیل ANC از شرایط در آفریقای جنوبی چیست ؟

ج : مسائل زیادی در آفریقای جنوبی اتفاق افتاده اند. رژیم آفریقای جنوبی هرگز در تاریخ خود تا به این اندازه تحت فشار نبوده است. بخش عمده این فشار از جانب توده ها داخل کشور میبیا شد. فشار از جانب بخش نظامی ANC که عملیات خود را گسترش داده است و همچنین فشار از جانب نامیبیا ، آنکولان و نیروهای مشترک آنکولان و کوبا. علاوه بر این مسائل، فشار بین المللی از جانب کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای ضدآپارتایدی در کشورهای غربی و سازمانهای بین المللی مثل سازمان ملل و دولتهای کشورهای غربی نیز وجود دارد. این فشارهای شدید همه جا شبه آفریقای جنوبی را وادار به آغاز حمله های کرده که ما آنرا "حمله فریبنده" می نامیم. این حمله جهت یافتن حامی در میان مردم داخل کشور، نامیبیا و جلب حمایت بین المللی است.

آفریقای جنوبی دست به دو عمل متضاد زده است از یکسو - آنطور که نامیده میشود - "حمله فریبنده" و از سوی دیگر عملیات گسترش یافته و خنونت آمیز بر علیه مردم در کشور تعداد درجه بیشتری از سردم محکوم به زندان میشوند. تعداد درجه بیشتری حکم اعدام ما در می شود. تنها ۱۱۷ نفر در نوبت اعدام میگردند. تعداد دیشتری خلق آویز شده اند. افزایش شکنجه و بازداشت مخصوصا کودکان و افزایش کنترل برومائل ارتباط جمعی از آن جمله اند. تا پایان سال بیش از ۳۰ جنبش دموکراتیک توده های تحت توقیف در آمده اند. البته رژیم آفریقای جنوبی اینکار را نه به یکباره بلکه با مهارت و به تدریج انجام داده است. رژیم آفریقای جنوبی حتی وسائل ارتباط جمعی دنیا را نیز تحت کنترل خود در آورده است. خبرنگاران داخلی دچار خودسانسوری شده اند تا از مجازات و سانسور بگریزند. بنا بر این ما تا حد محدودیت آزادی بیان از جانب این رژیم با شیم. ما تا حد محدودیت و توقیف افراد هستیم. موافقی که رژیم فعلیت یک سازمان را ممنوع نمی کند، فعالین آن سازمان را با شیوه های مختلف از جمله بازداشت در خانه خود فلسج می سازد. رژیم "جوخه های ختم" خود را افزایش داده است. اینها دسته های مجرمینی هستند که توسط دولت برای کشتن، آدم رسانی و سوزاندن خانه های میا رزین استفاده شده اند. آنها در آفریقای جنوبی و نامیبیا وجود دارند. میزان ترور هیچگاه در کشور تا به این اندازه بالا نبوده است.

از سوی دیگر رژیم آفریقای جنوبی تسلالت می کند تا "خوب" هم باشد! با تظار همه انجام فرورم در سیستم آپارتایدی، تلاش برای بوجود آوردن رهبران میا نه روسیا هیوست و بوجود آوردن یک مجلس



مشکل از سه بخش : بخش سیا هیوستان، هندی ها و بخش سفید پوستان، البته با این تفاوت که قدرت تنها در دست بخش سفید پوست مجلس است که میتواند در مورد مسائل کلیدی از جمله سیاست خارجی، دفاع و امنیت و غیره تصمیم گیری کند. هندی ها و سیا همان تنها در مورد مسائلی که تا مل مشکلات نژادی شان میگردد و مسائل جزئی که تحت عنوان مسائل ملی قرار میگیرند حق تصمیم گیری دارند. مطابق چنین برنامهای رژیم اقدام به برگزاری انتخابات در اکتبر ۸۸ کرد. تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد مردم در این انتخابات که صورت رتبه به سیا هیوستان را داشت شرکت کردند و این پیروزی بزرگی برای جنبش محسوب میشود. در حال حاضر رژیم تلاش میکند که عروسکهای سیا هیوست خود را در مجلس جمع کرده، به مردم ببیا و راند که آنها نیز در آرزوی کشور خبیل هستند. متحدین غربی آفریقای جنوبی نیز این ترغند را بخوبی خریده اند و آنها را می کنند که آفریقای جنوبی دست به فر فر زده است.

یکی دیگر از اقدامات رژیم در جهت فرسه زدن به جنبش ما حمله به کشورهای هم مرز است که به ANC با یگه داده اند. آنها به بیانه تعقیب نیروهای ANC به میا ران مناطق مسکونی این کشورها اقدام میکنند. به این امید که با مثلا کشتن بسک زامبیائی و یا از بین بردن زمینهای آنها، باعث ایجاد نفرت از ANC گردند. متاسفانه کشورهای هم مرز تسلط یافت مستعمراشی خود بشدت به آفریقای جنوبی وابسته اند. رژیم آفریقای جنوبی عمدا با

تا خرید و تحویل و یا قطع مواد مورد نیاز از میا ران کشورها، آنها را در فشار شدید اقتصادی قرار میدهد و حتی از آن بیشتر با وجود آوردن دسته های مزدور مسلح در این کشورها از جمله MNR در موزامبیک ، UNITA (یونیتا) در آنگولا، در زیمبابوئه و نامیبیا رژیمهای این کشورها را تحت فشار میگذارد. آفریقای جنوبی میخواهد این کشورها را به زانو در آورده تا تبدیل به عروسکهای فرما نبرداری گردند. اما خوشبختانه این کشورها قوی و مخالف رژیم آفریقای جنوبی هستند. در این رابطه باید به مسئله آنگولا اشاره کنیم. ANC تصمیم گرفته است تا نیروهای نظامی و غیر نظامی خود را از آنگولا راج سازد. اما این مسئله را یک مشکل موقت از زیمبابوئی می کنیم. ما فکر می کنیم از نقطه نظر سیاسی و استراتژیک ما در حال حاضر با بداند آنگولا راج شویم و این ضربه ای به میا رزه ما وارد نمی کند. ما میخواهیم آنگولا فرستی بیاید تا به پیشرفتهای اقتصادی خود بدون آنکه دام تحت فشار آفریقای جنوبی قرار داشته باشد دست یابد. ما معتقدیم که آنگولا به فداکاری عظیمی برای میا رزه ANC و نامیبیا دست زده است. ما نمی - خواهیم آنگولا را تا سرحد نالایی تحت فشار بگذاریم. ما این را در جهت همبستگی با آنگولائی بینیم. البته این حقیقتی است که ANC با مشکلاتی در جهت جا - بجائی نیروهای خود و استقرار نزدیک آن به داخل مرزها روبرو میشود. ما بهر حال این بهائی است که اغلب هر جنبشی در میا رزه خود با بد برای رسیدن به نتایج مطلوب آبنده بپردازد. یک قدم به عقب و چپا قدم به جلو! ما شرایط آنگولا درک می کنیم و می دانیم که آنها شیوه های دیگری به حمایت از ما ادا می خواهند. آنگولا به یک فرصت برای تقویت کشور خود میا رزند است.

آفریقای جنوبی به تلاشهای در کشورهای غربی دست زده است. آنها به یک میا رزه تبلیغاتی چندین میلیون دلاری در سراسر دنیا اقدام کرده اند. بروشورهای بسیار گوناگونی با این مضمون که ANC تروریست است و آنها متهمان میا رند چاپ کرده اند که همین الان در همین سوئد پخش میشود. ما هنوز موفق به عملی شدن یک محاصره اقتصادی همه جا نبوده ایم. ما الان یک محاصره اقتصادی نیم بند داریم. خود را با اقتصاد آفریقای جنوبی نشان داده است. در مورد نفت آفریقای جنوبی همواره میگویند که کشورها انداز ۵ سال ذخیره نفتی دارند. ولی این اطلاعاتی ندارند. اگر همین امروز واردات نفت به این کشور قطع گردد، آفریقای جنوبی نمی تواند بیش از ۶ ماه دوام آورد و آنها ایترایه خوبی میدانند. آنها همچنین مجبور هستند میا ران سنگی صرف خرید نفت از با رسیا ه کنند. مثلا از ایران، حمل و نقل نفت به آفریقای جنوبی آنان نیست زیرا کشتی ها از حمل نفت به مقصد آفریقای جنوبی میترسند، اتحادیه های کارگری حمل و نقل دریائی از با رگیری نفت به این کشور خسودداری میکنند. بنا بر این رژیم آفریقای جنوبی مجبور

مما حبه با ●●●

است از تعدادی از شرکت‌های کشتیرانی تپیکسار برای حمل و نقل نفت استفاده کند که طبیعتاً مخرج تا مین نفت را چند برابر می‌کند.

این مشکلات در مورد دیگر کالاهای نیز صدق میکند. کشورهای دیگر برای تجارت با آفریقای جنوبی دچار مشکلات بزرگی هستند. آنها با بیدک کنورثالت را برای صادر کردن مواد به آفریقای جنوبی پیدا کنند. آفریقای جنوبی نیز مجبور است برای صادرات مواد خود از یک کشور ثالث برای تغییر نام کالاهای خود استفاده کند. مثلاً یک دفعه بطور ناگهانی ما می‌بینیم که لستون موزما در می‌کند در حالی که در لستون حتی یک دانه موز هم معمول نمی‌آید!

آنچه ما می‌گوئیم این است که اقتصاد آفریقای جنوبی بیشتر از این تحمل مشکلات موجود را ندارد. آفریقای جنوبی در صدد تقاضای وام از بانکها است اما آنها جواب رد میدهند، البته نه برای اینکه آنها به ما رزه ما علاقه‌ای دارند، بلکه دل آنها برای پول‌های خودشان می‌بوسد. آفریقای جنوبی نمیتواند منافعی آنها را تا مین کند. مسئله دیگری که در مقابل این کشور وجود دارد مسئله آنگولا است. جنگ با آنگولا برای آفریقای جنوبی خیلی گران تمام شد، چه از نظر مالی و چه از نظر جانی. ارتش ۹۰۰۰ نفری آفریقای جنوبی با لایحه در مقابل حمله مستقیم نیروهای آنگولا و ارتش آنترونا سیونا لیست کوبسا شکست خورد. آفریقای جنوبی اتوریته نظامی و سیاسی خود را در منطقه از دست داد. ارتش بسزرگ سفید پوست توسط "ارتش فقیر سیاه، گرسنه و زه‌کار" آنگولا شکست داده شد. این خیلی درد آور است! ارتش سفید پوزا در آفریقای جنوبی از "ارتش فقیر کمونیست" کوبا شکست خورد! این ثابت کرد که آفریقای جنوبی یک قدرت نظامی نیست. این شکست سیاسی و نظامی باعث بوجود آمدن انشعاب در حزب حاکم "ناسیونالیست شده است. جناح راست میگوید که رژیم دیگر قدرت دفاع و حمایت از سفیدها را ندارد، که رژیم را در به سیاهان و کمونیست‌ها میبازد. جناح دیگر میگوید: چرا نباید با ANC مذاکره کرد. بنا بر این ما با یک شکاف در داخل خود مواجهیم. بیستون سفید مواجه هستیم. بسیاری از آنها برای مذاکره و صحبت در خصوص از میان برداشتن آنها برای مذاکره ANC مراجعه میکنند، البته از میان برداشتنی که حتی برای آنها هم آزادی نمی‌آورد.

س: چه عواملی در آفریقای جنوبی با زدن رنده پیروزی ANC می‌باشند؟

ج: اولین اشتقاقی خود ما بعنوان ANC در این است که ما از یک تشکیلات محافظه کار شروع کردیم و این وقت و انرژی بسیاری از ما گرفت تا این تشکیلات را دگرگون کنیم. امروزه ما به چیزی کمتر از دیمکراسی و برابری کامل بسنده نمی‌کنیم. در تشکیلات ما هنوز کسانی هستند که می‌گویند سیاه و سفید نمی‌توانند در کنار هم در یک تشکیلات کنار کنند و این مسئله به ما روزه اصلی ما لطمه میزند. ما در حال فاش کردن آمدن برای این مشکل هستیم. امروز

در ANC به روی همه با زاست، اما این راهم رفقای ما کا ملاتمی پذیرند. هنوز هستند کسانی که می‌گویند ANC در دجنش را به سفیدها و کمونیست‌ها می‌بازدومی - گویند چطور ممکن است سفید و سیاه یعنی استعمارگر و استعمار شونده در کنار هم بجنگند، ما فقط سیاهان را می‌خواهیم.

اما سیاه بودن به معنی پرولتاریا بودن و بالطبع سفید پوست بودن بمعنای کاپیتالیست بودن نمی‌باشد. این خود یک تحلیل نژاد پرستانه بجای تحلیل ایدئولوژیک از قضیه است. اما اکثریست مردم مواضع ANC را در این مورد پذیرفته و حاضر به همکاری در چرخه‌ها و این مواضع می‌باشند و این البته به معنای ۱۰۰٪ مردم نیست.

مسئله دیگر ما روزه مسلحانه می‌باشد. ما و SWAPO تا بدتنها نیروهای با شیم که نیروهای نظامی خود را در چرخه‌های کشورهای یمن داریم. ما برخلاف دیگر مبارزان کشورهای مختلف، دارای یک منطقه آزاد تحت کنترل خودمان در کشورمان نیستیم. آفریقای جنوبی از نظر امنیتی و حفاظتی بسیار قوی است. شیوه نظامی ما چریکی است و برای این امر باید استراتژی و ابزارهای خود را داشته باشیم. مثلاً وقتی یک چریک وارد کلبه‌ها و تاون می‌شود، جنگلی وجود ندارد و در آنجا پنهان کند، بلکه تا جایی که با شما به خانه یکی از ساکنین برود. باید ما حیفانه را قانع کند که نقش را بطوری را با جهان خارج ایفا نماید. نیروهای امنیتی تمام حیات شهر را زیر کنترل خود دارند. بنا بر این بسن بوجود آمدن شبکه‌ای که عمل نماید وقت و نیروی زیادی می‌گیرد. نیروهای امنیتی با استفاده از مغلطات مردم از جمله بیکاری و فقر تعدادی از سیاهان را خریداری میکنند. پلیس افرادی را که دستگیر شده‌اند، به اعدام محکوم کرده است و افرادی را که در وحشت از پلیس بگریزند به جاسوسی و میدارد. بنا بر این ما به طرق مختلف نیروهای خود را از دست میدهیم.

وقتی شما با رژیم آفریقای جنوبی می‌جنگید، یعنی بله کشورهای امپریالیستی می‌جنگید. زبیرا آنها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در آفریقای جنوبی کرده‌اند و بهر نحوی به این کشور در شکست محاصره اقتصادی داری می‌رسانند. بزرگترین مشکلی که ما در این رابطه داریم جلب این کشورها به سمت خودمان و جدا کردن آنها از رژیم آفریقای جنوبی می‌باشد. ما نزدیک به ۳۰ سال است که برای تغییر نظر کشورهای غربی مبارزه میکنیم و در حال کسب پیروزی‌هایی نسبی با شیم. البته ما هنوز کسلاً موفق نشده‌ایم، ما توانسته‌ایم داده‌ها حمایت این کشورها از رژیم آفریقای جنوبی را مشکل و مشکل‌تر نشانیم. امروز آنها مجبورند عذر موجه‌ای برای ایجاد رابطه با آفریقای جنوبی بیاورند البته این بدان معنی نیست که آنها میخواهند به حمایت از این رژیم ادامه دهند زیرا میداند بدون حمایتشان رژیم آفریقای جنوبی به سرعت سقوط خواهد کرد. آنها میدانند که در آفریقای جنوبی ما دین مهمی که ارزش استراتژیک دارند، وجود دارد. آنها می -

دانند رژیم آفریقای جنوبی متحد غرب است و منافعی غرب را در مقابل کمونیسم حفظ میکنند و وقتی به این موضوع خاص می‌رسند همه کشورهای غربی یکپارچه متحد میشوند. آفریقای جنوبی روابط سری با ناتو دارد و تبادل اطلاعات نظامی بین آنها وجود دارد. از سوی دیگر ما، مردم و جنبشهای ضد استعماری این کشورها فشار هر چه فزون‌تری بر دولت‌ها و پارلمانهای خود برای اتخاذ مواضع مترقی در مقابل آنها را بدوامی آورند، با نکته و کمپانی‌هایی که با آفریقای جنوبی ارتباط دارند توسط مردم مورد تهدید قرار می‌گیرند. بسیاری از آنها مبالغه‌های افراطی را در این رابطه از دست داده‌اند.

و بالاخره اینکه دشمن بسیار قوی است و ما باید این مسئله را بسینیم. انکار این مسئله به معنای خودکشی است.

س: نقش زنان در آفریقای جنوبی و در مبارزه علیه رژیم آنها را بدجست. آیا زنان نقش مهمی را در این مبارزه ایفا کرده‌اند؟

ج: آری و نه! زنان ما در سه مرحله تحت استعمار قرار می‌گیرند. بعنوان زن، بعنوان کارگر و به عنوان سبایست. کارگران زن مورد شدیدترین استعمار در آفریقای جنوبی قرار دارند. هر کاری که به زنان سیاه داده میشود، کمترین دستمزد را دارد. در نظر بگیرید مثلاً کارهای خانگی بسرای سفیدها را، زنان بیشتر از مردان رنج می‌برند زیرا این آنها هستند که در کنار طاقت فرسا باید از کودکان نیز نگهداری کنند، وقتی که مردها ما هم برای کار در معادن یا در باغچه‌ها و زنان بسر می‌برند و حتی وقتی که مردها در خانه هستند، این زن‌ها هستند که باید کارهای خانه را انجام دهند.

زنان شاه‌شاه‌ها در مردان مثلاً در اتحادیه‌های کارگران خانگی و بافندگان، بطور سیستمی فعال بوده‌اند. آنها با زحمت بسیاری خود را متشکل کرده‌اند. زیرا حتی مردان آفریقایی هم برابری زنان را نمی‌پذیرند. بنا بر این زنان مجبورند حتی در داخل جنبشهای مترقی برای برابری خود بجنگند. ما زنانی داریم که از اولین مراحل مبارزه در کنار مردان، زندانی، شکنجه و کشته شده‌اند. در سال‌های ۶۰ بود که زنان دست به تظاهرات بینظیری در علیه "کارشاه‌ها" عبور کردند که آذوقه تنها به مردان سیاه برای حق عبور و مرور داده میشد، زدند. آگاهی سیاسی زنان آفریقایی در حال رشد است زیرا آنها کنترلی نشینند. آنها نه تنها خود مستقیماً در مبارزه شرکت میکنند بلکه همچنین بعنوان مادر، همسر و دختر... مردانی که به زندان می‌روند، شکنجه و اعدام میشوند نیز جزو می‌کنند. ما زنانی داریم که در بازاری نظامی ANC می‌جنگند و سربازان بسیار خوبی هستند. ما در مبارزه خودمان هیچ شبهه‌ای در توانایی زنان در امر مبارزه نداریم. من زن‌سان و دختران جوان بسیاری را دیده‌ام که زندگی عادی خود را کنار گذاشته و به صف مبارزه پیوسته‌اند. در جامعه ما زنان اینطور پرورش می‌یافتند که به

ناتو: میلیتاریسم در تنگنا

درواقع نیز پیشنهادهای شوروی از این لحاظ که دکترین نظامی تاج و زگرانه غرب را به بین بست می اندازد دارای اهمیت بلندمدت قابل ملاحظه ای میباشند، زیرا برطبق استدلال طراحان میلیتاریست، غرب تنها با کمک سلاحهای اتمی میتواند تدریجی



بیمان ورشودر زمینه سلاحهای غیر هسته ای را جبران کند و این استدلال اکنون با وضوح به بین بست رانده شده است. هم اکنون دولت آمریکا و متحد درجه اول آن انگلستان در این مورد که چه ضرورتی به لحاظ نظامی وجود دارد که موشکهای با برد کوتاه موجود، توسط موشکهای مدرن تری جایگزین شوند، به سختی میتوانند سازشکاری خود را در نا تو قانع کنند. علاوه بر این، پیشنهاد شوروی در مورد کاهش نیروهای غیر هسته ای دو پیمان، مواضع فنیسی و سیاسی بیشماری را که بر سر مذاکرات جاری در وین در این مورد وجود داشته به یکباره به کناری میزنند و برای غرب چاره ای بجای نماند. مثلاً دعا کننده تسلیحات شوروی مدرن تر هستند.

ادعائی که به سختی قابل دفاع است. اما مهمترین عواقب کنونی پیشنهاد شوروی، اثرات آن بر لحاظ دگرگون کردن بنیادهای مناسبات بین الملل میباشد. این مناسبات که از سوی امپریالیسم بر اساس باجگیری آشکار و پنهانی به حق تعیین سرنوشت و در وجه خاص در رابطه با کشورهای سوسیالیستی بر اساس اصل "ترسانند اتمی" استوار است، اکنون در همین وجه تعیین زیر حمله قرار گرفته است. در مقابل اصل ضروری بودن حفظ صلح با اتکاء به سلاحهای اتمی که بر طبق آن گویا کشورهای سوسیالیستی از ترس جنگ هسته ای دست به تجاوز نظامی به غرب نمی زنند، اصل امنیت متقابل، بدون سلاحهای هسته ای و بی حد اقل توان رزمی غیر هسته ای، توانی اما سلاح دفاعی و برابر با توان حریف، طرح میشود و تعرضات دیپلماتی شوروی از این موضع صورت میگیرد. مبارزه برای تحمیل اصل امنیت متقابل بسودن تردید مبارزه ای دشوار است که با جلاکی دیپلماتیک میباید صورت بگیرد. این مبارزه در شرایطی که جنگ

هم بدلیل اهمیت حیاتی مناسبات اقتصادی با کشورهای اروپای شرقی مایل نیستند که میلیتاریسم افشارگیخته ای را که از سوی آمریکا و انگلستان دنبال میشود، بدون چون و چرا مورد حمایت قرار دهند، برعکس آنها به دلائل فوق، خواهان مناسبات عادلانه ای با کشورهای سوسیالیستی و اتحادیه سوسیالیستی میگردند. کنترل شده در قبال این کشورها هستند. در کنشهای چند ماه اخیر بین آلمان و آمریکا بسیاری از کشورهای اروپائی و در واقع اکثریست اعزای ناتو به موضع آلمان تمایل دارند. سیاست خارجی اتحاد شوروی به استفاده از شکاف موجود در ناتو روی آورده و در مناسبات لحظه، یعنی در اوج دعا پیشنها داتی را مطرح نمود که میتوانند به تعمیم دائمی نکات فوق منجر شود. بر طبق این پیشنهاد است که در مسکو به سیکوریزخا رجه آمریکا داده شد، شوروی تعداد ۵۰۰۰۰ عدد کلاهک هسته ای خود را از روی موشکهای برد کوتاه، بمبها و خمپاره های اتمی بخواهد داشت و علاوه بر این حاضر است که با ناتو در مورد کاهش نیروهای نظامی طرفین به مقداری که هر یک از دو پیمان تا سال ۱۹۹۷ توان رزمی غیر هسته ای برابری داشته باشند، به مذاکره بپردازد. بطور مشخص شوروی پیشنهاد میکند که هر یک از دو پیمان نیروی نظامی خود را به مقدار زیر محدود کنند: ۱/۳۵ میلییون سرباز، ۲۰۰ هزار تانک، ۲۴۰ هزار توپ، راکت و خمپاره انداز، ۲۸۰ هزار نفر سرباز، ۱۵۰۰ هواپیما و ۱۷۰۰ هلیکوپتر. قسمت اول این پیشنهاد است که ناظر بر برچیدن یک جانبه ۵۰۰ کلاهک هسته ای است، هدفی بجای اعلام عملی بودن کاهش تعداد کلاهکهای هسته ای و ساخت افزارهای حامل آنها - موشک، هواپیما و غیره - ندارد و قسمت بعدی پیشنهادات شوروی با این هدف بیان میشوند که غیر ضروری بودن سلاحهای هسته ای در شرایط برابری توان رزمی طرفین را مدلل کنند.

وقتی که جیمز بیکر در پایان مسافرت خود به عنوان وزیر خارجه آمریکا به شوروی برای مطلع نمودن همناهای خود در سایر کشورهای عضو ناتو به بروکسل آمد، به سختی میشد اشکاف در ماندگی و بین بست را در چهره اش بخواند. وی در مسکو به گرمی مورد پذیرائی قرار گرفته و حتی با خود گورباچف به مذاکرات مستقیم پرداخته بود و اگر ضربه مهلکی که در طی این مذاکرات به استراتژی ناتو از سوی طراحان دیپلماتی شوروی وارد شد، نبردوی قطعاً با لبان خندان در بروکسل راجع به بهبود حقوق بشر در شوروی و سایر موضوعات مشابه همکاران خود گزارش میداد. اما در شوروی چه پیشنهاداتی طرح گردید و بر کدام زمینه سیاسی؟

نطق گورباچف در مجمع عمومی سازمان ملل که طی آن وی کم کردن یک جانبه نیروهای نظامی شوروی به مقدار ۵۰ هزار سرباز را اعلام کرده بود، آغاز دور جدیدی از آنها جم دیپلماتیک شوروی در زمینه خلق سلاح در اروپا بود. اهمیت اقدام شوروی اساساً در آن بود که این کشور را مدگی خود را برای کاهش تسلیحات غیر هسته ای از طریق کاهش یکجانبه نیروهای رزمی خود در شرق اروپا بنمایش گذاشت و چنین اقدامی معنی دیگری بجز در بین بست قرار دادن حریف در زمینه تسلیحات اتمی و بطور خاص موشکهای با برد کوتاه نداشت زیرا استراتژی نظامی ناتو بر اساس این استدلال که بیمان ورشود را برتری همه جانبه ای در زمینه تسلیحات غیر هسته ای است، هرگونه صرف نظر کردن از موشکهای فوق را رد مینمود. این استراتژی اما بویژه از سوی آلمان مورد تردید بود، زیرا اولاً دلائل داخلی دولت ائتلافی هلموت کهل نمیتوانند مدرنیزه کردن موشکهای با برد کوتاه را که اساساً در خاک آلمان مستقر میشوند، بدون توجه به پیشنهادات صلح گورباچف بپذیرد و لذا خواهان مذاکره در این مورد با شوروی و اتخاذ تصمیم به بعد از ۱۹۹۲ میباشد و تا این دولت سیاست درازمدتی را تعقیب میکند که بر طبق آن منافع مالی و صنعتی آن بویژه در زمینه مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، نمیتواند با رودرویی سیاسی و دیپلماتیک جدی با شوروی بخفرتنیا فتد. برای اقتصاد آلمان فدرال که دارای گسترده ترین مناسبات با زرگانی با شوروی است، امروز مسئله اصلی همانا تعمیق روابط اقتصادی موجود و تاجع کردن فعل و انفعالات دیپلماتیک به منافع بلند مدت این روابط است. ایننگه در پشت این سیاست تا چه حد نیت تبدیل نمودن آلمان به یک قطب سیاسی مقتدر در اروپای مرکزی نهفته است و ایننگه این کشور واقعاً تا چه میزان خواهان فاصله گرفتن از آمریکا است، در شرایط فعلی به مدگی قابل ارزیابی نیست، اما آنچه که قطعیت دارد این است که دست راستیهای حاکم در این کشور هم بدلیل تلاش برای ماندن بر سر قدرت در انتخابات ۱۹۹۱ و

نا تو: میلیتا ریسم در تنگنا

طلبان به سختی حاضر به ترک مواضع خود هستند، اما سا با بسیج مردم طرفدار صلح در کشورهای بزرگ سرمایه داری میتوانند با موفقیت به پیش برده شود در این عرصه است که راست نوین شکستهای دیپلماتیک مهمی را تاکنون پذیرفته است. نطق اخیر جرج بوش در دانشگاه تگزاس در هوستون بخوبی نشان داد که بدون بکارگیری اهرم فشار رتبه های از سوی شوروی، سردمداران راست نوین تنها به بزرگ کردن مواضع کهنه خود اکتفا میکنند. وی در این نطق که ۲۴ ساعت بعد از اعلام پیشنهادت شوروی ایراد شد، بدون کوچکترین اشاره ای به این پیشنهادت با ذکر کلیات و با پیشنهادت متحکی از قبیل کنترل دوجانبه هوایی آنهم در عرصه مواضع های تحسی، بخوبی فاصله عظیمی را که بین مواضع جناح ها را میریالیسم مواضع شوروی وجود دارد، بینمایش گذاشت و به این دلیل مورد اعتراض حتی روزنامه های دست راستی آمریکا قرار گرفت.

تنگنای کنونی گرایشات میلیتاریستی نا تو، بدون تردید به معنی آن نیست که دیپلماتی غرب بکار رنشته و برای برکردن شکاف موجود اقدام نخواهد کرد. هم اکنون آمریکا علائمی از "عقب نشینی" از مواضع قبلی خود در قبال مسئله موشکهای برد کوتاه را نشان داده و مثل تلاش دارده که آلمان را راضی کند که با قبول اصل مدرنیسه کردن موشکها، عملی بودن مذاکره در چند سال بعد را بعنوان موضع مشترک مورد توافق قرار دهد. واضح است که این موضع بمعنی مدرنیسه کردن موشکها و دادن وعده سرخرمن مذاکره مثلاً از سال دیگر به بعد است و اما همان موضع آمریکا است، ژنرال کالوین فرمانده نظامی کل نا تو نیز در ماه حبه با هفته نامه تا میز در قبال پیشنهادت جدید شوروی نکاتی را بیان کرده است که بخوبی بحران استراتژی نظامی نا تو و دست و پا زدن ما یوسا نه سردمداران آنرا نشان

گمشور و بیخارجه آلمان در دیدار یک روزه خود از انگلستان، نتوانست با دولت این کشور در مورد مسئله موشکهای برد کوتاه به توافق برسد.

حزب دمت زاستی اتحادیه سوسیال مسیحی آلمان که در ائتلاف حاکم در این کشور شرکت دارد اعلام نموده که تحت هیچ شرایطی به برچیدن موشکهای برد کوتاه ه تن نخواهد داد.

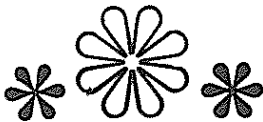
رئیس جمهور آمریکا در نطق در دانشگاه بوستون اعلام کرد که آمریکا حاضر به برچیدن موشکهای برد کوتاه در اروپا نیست.

میتران در دیا خود با بوش، به موضع آمریکا در مورد مدرنیسه کردن موشکهای برد کوتاه ابراز تمایل نمود، وی قبلاً از موضع آلمان در این مورد جانبداری کرده بود.

دیدار روزی دفاع آلمان و آمریکا در مورد مدرنیسه کردن موشکهای برد کوتاه رسماً بدون نتیجه ختم یافت، اما شایعاتی در مورد رسیدن طرفین به توافق وجود دارد که طبق آن آمریکا حاضر است در صورت پیشرفت مذاکرات جاری در وین در مورد سلاحهای غیر هسته ای در اروپا، به مذاکره در مورد موشکهای فوق تن دهد.

میدهد. وی در مورد این پیشنهادت که توان رزمی دو بیمان کا طلب را برپا شد، میگوید که صلح در اروپا هیچگاه با پائین بودن توان رزمی طرفین در حد مساوی بدست نمی آید. این حرف بمعنی آن است که غرب حاضر نیست جزاً از طریق مبارزه تسلیحاتی و جز با زبان زور به شیوه دیگری روی آورد. وی بعلاوه تاکید میکند که از موشکهای برد کوتاه نمیتوان در هیچ شرایطی صرف نظر کرد. معنی این حرف نیز با توجه به امکان جلب آلمان به موضع آمریکا این است که فعلاً موشکهای مدرنی ساخته میشود، در اصل می پذیریم که در باره آنها مذاکره کنیم. آنهم به این دلیل که دولت دست راستی کهل نتواند به مردم بگوید که موضع خود را هنوز دارم. اما حاضر به برچیدن آنها در هیچ شرایطی نیستیم. به زبان دیگر

جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در نطقی در مقابل فارغ التحصیلان دانشگاه تگزاس در هوستون به تشریح سیاست این کشور در مورد بلوک سوسیالیستی پرداخت. وی گفت که امیدوار است که گورباچف در فرمایشهای جاری به موفقیت دست یابد و پیشنهادت نموده در صورت اعطای اجازه مسافرت به یهودیان شوروی، آمریکا حاضر است به برطرف کردن مواضع موجود بر سر راه مبادلات تجاری دو کشور بپردازد. در مورد مسئله خلع سلاح، وی هیچگونه پیشنهادت بکار جدیدی را بعنوان نشنوده و تنها پیشنهادت دنیو دکه آمریکا و شوروی در مورد کنترل حریم هوایی دو کشور توسط هواپیماهای جاسوسی به توافق برسد. این پیشنهادت دنیو دکه در هر گونه ابتکار برای صلح و خلع سلاح از سوی آمریکا، توسط مطبوعات غربی مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. این مطبوعات در انتقاد خود بیان میکنند که غرب و بویژه آمریکا بخوبی نشان میدهد که تمایل جدی به خلع سلاح و عادی سازی مناسبات با شوروی ندارد.



در مقابل تاکتیکهای شوروی، ما سیاست مذاکره طولانی و بی نتیجه را اتخاذ میکنیم و ما تا وقتی که "دمکراسی" در شرق اروپا برقرار نشود، نمیتوانیم با این کشورها مناسبات عادی داشته باشیم. این جوهر سیاست راستهاست و البته این سیاست به سختی شانس موفقیت خواهد داشت، زیرا تعادل قوا در غالب کشورهای غربی به نحوی است که تا خیر در اخصا سیاست روشن در قبال پیشنهادت شوروی و قبول عملی خلع سلاح، به معنی قرار دادن در طرف بازنده است. اینرا دولت آلمان بخوبی تجربه نموده و ما یردول دست راستی هارنیز دیر با زود مجبور به پذیرش آن خواهند شد.

علاقه مند هستیم که ایران را بجای کشتار سیاسی از مردم در راهت مین آزادی مردم خود ببینیم! ایران کشوری است که پتانسیل آنرا در دهه تبدیل به کشوری قدرتمند ز نظر اقتصا دی، صنعتی و حتی نظامی میشود. ایران این امکان را دارد که از این نیرو به نفع ایران و البته همه بشریت استفاده کند. با یاد از این پتانسیل ب نفع ایران و توسعه کشور بجای قلع و قمع مردم در خیابانها و نیروهای مترقی، استفاده گردد! ما به انتظار روزی هستیم که نیروهای مترقی قدرت را در ایران بدست گرفته، شرایطی بوجود آورند که هر ایرانی بتواند خود را در خانه خود احساس کند.

از طرف سازمان کارگران انقلابی ایران از شما برای قبول این مصاحبه تشکر میکنم!

مصاحبه با نماینده ANC

وظائف خانه برسد و بچه ها را بزرگ کنند و زبانی باشند تا بتوانند یک همسر نمونه قلمداد شوند و زنان برای اینکه همسران وزنی نمونه باشند میبایست ملایمی بودند و نه خشن، میبایست همواره ظاهری آراسته میداشتند، اما مبارزه امروزه زنانی احتیاج دارد که قوی باشند. البته زن انقلابی بودن به این معنا نیست که تنها بدزبیا بود، زنان ما هم زبیا و قوی هستند. ما در آن ما امروزه هنگامی که پسران خود را در مبارزه از دست میدهند فچه نمی زنند، زیرا میگویند که آنها یک قهرمان را از دست داده اند، آنها مبارزه را مقصر قلمداد نمی کنند. زنان ما امروزه

بسیار قوی هستند.

ما ضرب المثلی داریم که میگوید: "زنان را با خود داری، مخره را با خود داری!" و رژیم نیز این امر را دریافته است.

س: با توجه به کشتارهای اخیر در ایران آیا پیامی برای مبارزان راه آزادی در ایران دارید؟

ج: وقتی شاه سرنگون شد ما بسیار خوشحال شدیم و نوید ایرانی نوین، ایرانی که در آن دمکراسی، آزادی و احترام به انسان خواهد بود را به خود دادیم.

متاسفانه اطلاعات و اخبار نشان میدهد که نه تنها انتظارات ما تحقق پیدا نکرد بلکه بسیاری از اعمالی که شاه مرتکب آن میشد اغلب حتی با شدت بیشتری تکرار میشوند. در حال حاضر مشکلات بزرگی در راه آزادی نهائی مردم ایران وجود دارند. ما

چین

تظاهرات دانشجویان چینی بخاطر فرمهای دموکراتیک در این کشور، در طول مسافرت گوربا چف به چین ادامه یافته و با بیوسن وسیع روشنفکران، کارمندان و کارگران بنسبه آن ابعاد شده است. مقامات حزبی و دولتی چین نیز پس از آنکه نتوانستند دانشجویان را به سرک تظاهرات و نیز شکستن اعتصاب غذای چند هزار نفره در میدان صلح آسمانی پکن وادار کنند، در ایمن شهر حکومت نظامی اعلام نمودند، بدون اینکه به ارتش اقدامی علیه تظاهر کنندگان بعمل آورد. ظاهراً دولت سیاست آرام سازی تدریجی اوضاع را در پیش گرفته است. دانشجویان معترض که بسمه اعتصاب غذای خود پایان دادند، همچنان خواستار مناظره تلویزیونی با مقامات دولتی در مسوورد خواسته های خود که شامل آزادیهای سیاسی و بویژه آزادی مطبوعات و لغو سانسور میشوند هستند. آنها ضمن حمایت از سیستم سوسیالیستی خواهان مبارزه با فساد در دستگاه دولتی شده اند.

مسافرت میخائیل گوربا چف به چین که طی آن دیدارهایی با مقامات دولتی و حزبی چین و از جمله با دنگ شیائوپینگ رهبر این کشور صورت گرفت، اولین دیدار رسمی رهبران دو کشور بزرگ سوسیالیستی پس از سه دهه بود. با این مسافرت، رابطه عسادی بین دو کشور و احزاب کمونیست حاکم در آنها برقرار شده و در عین حال طرفین تا کبده نموده اند که این رابطه دیگر بصورت رابطه ای بین دو متحد، آنچنان که قبل از تیرگی روابط دو کشور وجود داشت، نخواهد بود. گوربا چف در دیدار خود موضوعات مهمی را با مقامات چین مورد مذاکره قرار داد که مهمترین آنها عبارتند از فرمهای سیاسی و اقتصادی دو کشور، مسئله کامیون و نیز مناسبات اقتصادی و بویژه بازرگانی و همکاریهای صنعتی در مناطق مسرزی بر طبق گزارشات موجود، روابط اقتصادی دو کشور در زمینه صنایع سنگین، صنعت برق و نیز صنایع اتمی ارتقاء یافته و بعلاوه گسترش مبادلات تجاری در مناطق مرزی و ایجاد پروژه های صنعتی مشترک در سیبری و خاور دور و از جمله استفاده از کارگران چینی برای توسعه اقتصادی مناطق فوق مورد مذاکره قرار گرفته و در مورد آنها توافقات اصولی صورت گرفته است. بعلاوه همکاریهای فرهنگی و ارتباطاتی که در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته اند همچنان ادامه و بهبود خواهد یافت.

شوروی

اتحاد شوروی در طی دیدار جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا به این کشور پیشنهادت جدیدی در مسوودت خلق سلاح به وی داد. بر طبق این پیشنهادت شوروی ضمن برجیدن تعداد ۵۰۰ کلاهک هسته ای بصورت یکجا شبه، حاضر است با کشورهای ناتو در مسوودت رسیدن به توان رزمی غیر هسته ای برابر، تا سال ۱۹۹۲ مذاکره کند. شوروی خواهان آن است که نیروهای غیر هسته ای دو بیمن به حد ۱/۳۵ میلیون سربا زیر خورد را از تعداد دماوی تسلیحات نظامی تقلیل یافته و بعلاوه طرفین در مورد برجیدن کلیه موشکهای با برد کوتاه در اروپا مذاکره کنند. از سوی دیگر سفیر شوروی در آلمان راجع به سیاست ناتو در مورد مدرنیزه کردن موشکهای فوق که با مخالفت دولت آلمان روبروست هشدار داده و آن را اقدامی در جهت عکس روند صلح و عادی سازی روابط خوانده.

در یک گردهم آشی بزرگ در مسکو که توسط یو بی سی یلتزین و باره ای از شخصیتهای سرشناس طرفدار رفرمهای رادیکال دموکراتیک در شوروی برگزار شده بود، گروهی از نمایندگان شورای اتحاد شوروی به طرح پلاتفرم خود در مورد کار این شورا پرداختند. بر طبق نظراین نمایندگان، ایجاد یک مجلس قانون گذاری دائمی که توسط احزاب مشترک شوروی اتحاد شوروی و شورای خلقها انتخاب میشود، به نفع شتاب دادن به روند دمکراتیزاسیون شمس است. یلتزین در سخنرانی خود خواهان انتخاب یک دفتر سیاسی جدید از سوی کمیته مرکزی حزب و مسمول داشتن اقدامات فوری برای مقابله با فساد در بوروکراتها و با فساد دستگاه اداری شوروی شد.

اسرائیل

بدنبال اعلام پیشنهاد صلح دولت اسرائیل به مردم فلسطین که طبق آن، انتخابات در مناطق اشغالی با هدف ایجاد خودگردانی محدود میتواند برگزار شود، ارتش اسرائیل به محاصره کامل نوار غزه پرداخته و کلیه عراب ساکن این منطقه را از اقامت و کار در اسرائیل منع نمود. تاکنون درگیریهای شدیدی در این منطقه بوقوع پیوسته که به کشته شدن یک سربا از اسرائیلی و چندین زخمی فلسطینی منجر شده است. بر طبق گزارشات موجود، نیروهای اسلامی بنیادگرا در فلسطین اشغالی در جریان اعتراضات توده ای دورا خیرنش فعالی ایفاء نموده اند.

اخبار کوتاه

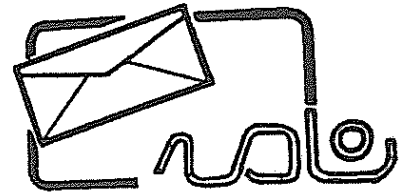
- جامعه عرب، مصر را رسماً به عضویت مجدد خود پذیرفت.
- هند اقدام به آزمایش موفقیت آمیز یک موشک با لیسیتیک میان برد نمود.
- کودتای نظامی در اتیوپی شکست خورد. بخشی از کودتاچان در منطقه اریتره همچنان با ارتش در حال جنگ هستند.
- دیرکل حزب راستی اتحادیه دمکرات مسیحی آلمان اعلام نمود که این حزب با حزب نئو فاشیستی جمهوریخواهان در هیچ سطحی به اشتغال نخواهد پرداخت.
- شوروی اعلام نمود که بزودی نیروهای نظامی خود را در مناطق همجوار با جمهوری خلق چین به حد نیروهای مرزی معمول کاهش خواهد داد.
- گوربا چف در نامه ای به رئیس جمهور آمریکا به وی اطلاع داد که شوروی در سال جاری از ارسال کمکهای نظامی به نیکاراگوئه خودداری کرده است.
- دانیل ارتگا اعلام نمود که شوروی در قبال نیکاراگوئه همچنان به کلیه تعهدات خود وفا دارمانده است. کمکهای اقتصادی شوروی به این کشور به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در سال و کمکهای نظامی آن به میزان ۳۰۰ میلیون دلار ارزیابی میشوند.
- سازمان آزادیبخش فلسطین طرح صلح اسرائیل را بعلت خودداری از رسمیت شناختن حقوق اساسی خلق فلسطین و از جمله حق تشکیل دولت مستقل رد نمود.
- شورای خلق جمهوریهای شوروی استونی، لیتونی و لتوانی در بنیه مشترکی خواهان استقلال اقتصادی، خودمختاری سیاسی فدرالیستی و تشکیل دادگاه برای بررسی جنایاتی که بر علیه خلقهای جمهوری در دوره استالین شده است، شدند.
- در انتخابات ریاست جمهوری در آرژانتین، کاندیدای بیرونیست ها، آقای کارلوس منیم برنده شد.
- حملات نظامی چریکهای جبهه فاریون دو مارتی در آلسا لودر شدیدی شده و تلفات سنگینی به نیروهای دولتی وارد آمده است.
- کارگران زغال سنگ آلمان طی اعتراضاتی مخالفت خود را با پذیرش سیاست بازاری مشترک از سوی این کشور در مورد کاهش تولید زغال سنگ، اعلام نمودند.



پانام

پس از برگزاری انتخابات در پاناما که بسمه نظارت گروهی از سیاستمداران آمریکا و از جمله جرالدفورد و جیمی کارتر انجام گرفت، احزاب دست راستی مورد حمایت آمریکا که به ادعای دولت در انتخابات شکست خورده اند، اعلام پیروزی نموده و مودم را به تظاهرات و اعتصاب عمومی سیاسی دعوت نمودند. این تظاهرات توسط گروههای غیرنظامی

طرفدار دولت مورد حمله قرار گرفت و متعاقب آن دولت آمریکا با خارج کردن سفیر خود از این کشور و انتقال اتباع خود به پایگاههای نظامی مستقر در منطقه کانال، چندین هزار نیروی تازه نفس وارد پاناما نمود. از سوی دیگر کنفرانس وزاری خارجه سازمان کشورهای آمریکا طی در نشست خود دولت پاناما را محکوم کرده و از وی خواست که در این کشور دمکراسی



الف - کورسو

دوسروده تان - سنگی درجا هوجهان آزاد - به دستمان رسید.

سروده های شما بسادگی و درنگاه نخست ، اشعار زنده یا سپهراب سپهری را به ذهن متبادر میکند. همزمانی با اشعار یکی از شاعران صاحب سبک ایران ، و در مورد شما - انطباع زبان بازبان سپهری ، اگر به بیان مفاهم تازه کمک کند ، نه تنها تقلیدی محتوا نیست ، ببل گسترش و تکامل سبک و زبان مربوطه نیز هست . سروده های شما نشان میدهد که در تلاش برای مفاهم تازه در قالب زبان سپهری روند موفقی را طی کرده اید ، درست به همین دلیل با ایدیا و سواسی بیشتری بر سروده های شما متمرکز شوید . سواسی که قطعاً برای رفع سکتها که به روانی زبان این شعرها لطمه میزند ، ضروری است . سکتها که ما میمانند : / موج ناشابوری و / سگ / موج تردید شما بود ، که به ما سبیلی زد . / سکت " که در سطر آخر ، که ملا آشکار است) ، و همینگونه است : غصه تان ، / غصه نفت است و رقابت در با زار / (با سکتی " در ") ، و نیز عباراتی مانند : یمن شریعت ... بی اعدام ، این شریعت ... بی زندانی ، که کلاماً ز زبان روان شعر شما بیگانه است . علاوه بر اینها ، خوب است اگر زبان سپهری را به عاریت گرفته اید از عاریت گیری عین تمام و بر اشعار او - هر چند بگذرد - خودداری کنید ، ورنه حاصل جز تکرار سروده های دیگران نیست - منزل که جا بید

شما / آب و جا رو شده ، اما ده ست / در سر کوجه نا دانسی / در خیابان جهالت ، / چند قدم ما نده به میدان فریب / در شهر دروغ / آرزوی موفقیت بیشتری برای شما داریم و منتظر دریافت سروده های شما هستیم .

س . آگاه

دوشهر " اگر میخواهی شعر مرا بخاطر بسیاری تو " پیش از آنکه تیر با را نام کنند " را دریافت کردیم . از شعر " پیش از آنکه تیر با را نام کنند " در مضحکات پیام کارگر ، استفا ده خواهم کرد . موفق باشید .

سپهر :

مقاله ای " ایران - از ستایش رقاصه گمان لعنت میشود " بدستمان رسید . ترانه خوانها کسی که کارهایشان مورد تقدس قرار گرفته ، اگر چه اکثراً تجسم فدا رزهای هنری در عرصه تصنیف خوانی و موسیقی ایرانی اند اما فراموش نکنیم که هم اینها نفوذ وسیع و غیر قابل انکاری در میان جوانان و نوجوانان ما در خارج و داخل کشور دارند و پس ، نقد کارها و آنها بر خورد بسیار ظریف و سنجیده ای را می طلبد که متاسفانه مقاله ای شما فاقد آن است . اثر بخشی نقدی در این عرصه ، اگر بر طرفداران یا شنوندگان این ترانه ها و آوازه ها نباشد ، یا نتیجه منفی خواهد داشت ، یا بسرای مخاطب نا معلوم گشتن است و بی نتیجه خواهد بود . نمی توان در هوای جز هوای واقعی مردم نفیس کشید (حتی اگر به هدف افشای بیوفی این هوا باشد) و با مردم حرف زد و اعتماد آنها را به صحبت گفته های خود جلب کرد .

- رفقا و دوستان : ما زندگانی ، ایران نورگه ، فردوس ، طولان ، پیام ، م ، پناه ، شعرها و مطالب ارسالی تان را دریافت کردیم .

کی به کیه ؟

" در سال گذشته خبرنگار کیهان در شهر برآز - جان توسط بانندی آدم را که متاسفانه از سوی یکی از مسئولان محلی حمایت میشدند ، ربوده و با خورا نندن هم کشته بوی ، در بیابان اطراف شهرها شد که بطور اتفاقی و مجزه آما توسط یک رهگذار از مرگ نجات یافت ، با ندم خوف مذکور تا آنجا قدرت داشت که برای محو آثار جرم ، سم بیرون آورده شده از معده و احشاء ، خبرنگار را از مرکز پزشکی قانونی سرانجام ربود . " (کیهان ن ۳ فروردین ۶۸)

اخراج ۴۰۰ کارگر از شرکت پردیس کرج

شرکت پردیس کرج که از عمده تولیدات مین کنندگان مرغ و تخم مرغ شهران است و روزانه ۱۶۰ تن مرغ در شیفت گشتار رسوده و بسته بندی و تحویل با زا میداند ، توسط بانک کشاورزی و صنعت و معدن منحل ۴۰۰ کارگر آن اخراج شدند .

کارگران اخراجی روز سیزدهم اردیبهشت با اجتماع در اداره کار کرج به این امر اعتراض و خواستار رسیدگی به آن شدند . در بین کارگران تعدادی بیش از ۲۶ سال سابقه کار دارند .

یکی از مسئولین شرکت به خبرنگار کیهان ، علت تعطیل شرکت را ضرورتی اعلام کرده است . کارگران میگویند علت ضرورت مدیرت نهفته است و مثال می آورند که تنها ۹ میلیون تومان سود شرکت را یکی از مسئولین سرق و به خارج کشور گریخته است .

در طول عمر رژیم این اولین شرکت و بیگانه کارخانه ای نیست که شطیل و کارگران آن بیکار میگرددند . در جریان سیاست فدکا رگری رژیم ، هر روزه صدها کارگری بیکار میگردند که نمونه بالا تنها یک گوشه آن است .

آلمان فدرال و نیکارا گوا : تروریسم اقتصادی ! ؟

تن از افراد کارآمدی سوزا که در زندانها پیش بودند ، ۱۹۰۰ تن را آزاد نمود و فقط ۱۲ تن از سکتجه گران کار در سوزا در زندانها پیش مرمیرند . نیکارا گوا کسی که تنها توفان و گردباد ۸۴۰ میلیون دلار به آن خسارت وارد ساخت و جنگ نیز تا کنون ۱۲/۳ میلیار دلار برای آنها هزینه برداشته است . و این در حالیکه در آلمان نیکارا گوا که از راه صادرات ۲۶۷ میلیون دلار میبشد ! و اکنون نیز ۷ میلیار دلار بدهی خارجی دارد . آنگونه که آلمان " نیز مورد تاکید قرار داده است ، اگر کمکیای کشورهای سوسیالیستی ، بسوزه کوبا و آلمان دمکراتیک نباشد ، نیکارا گوا بی مشکلات جدی تری روبرو میشد . "

دولت آلمان غربی ، همچون بسیاری از کشورهای سرمایه داری ، حتی یک مارک هم به نیکارا گوا کمک مالی نکرده و نمی کند ، چرا که به گفته مذاکره آلمان غربی آقای " هلموت کهل " تحریم اقتصادی نیکارا گوا در رابطه با تامین حقوق " عادلانه " و " برابر " در آن کشور موثر خواهد افتاد . این اظهارات آقای کهل در سفر سه روزه دانیل اورتگا ، رهبر نیکارا گوا که در تاریخ ۶ تا ۹ ماه به آلمان غربی مورت گرفت ، ایراد نمود . مخالفین تحریم اقتصادی " آفریقای جنوبی " ، یاری رسان به دست راستی های السالوادور و شیلی و مینیونیتها ، کار برد چنین سلاحی را برای " دمکراتیک کردن نیکارا گوا " - یعنی بازگشت به دوران سوزا جنا بیکارا - تجویز میکنند ، نیکارا گوا که از نزدیک به دوهزار

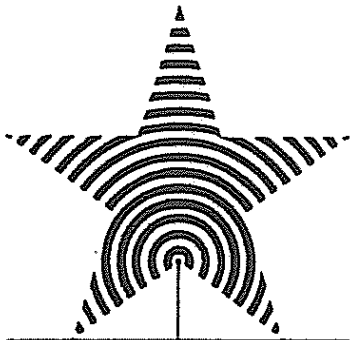
حسینی معاون درآمدهای مالیاتی وزارت امور اموال اقتصادی و ذاریاتی آمارهای زیر را ارائه میدهد :

" ۴۰ درصد از مردم که در پایان ترین گروه اجتماعی هستند ، ۲/۹۷ درصد از آنها را تشکیل میدهند . ۴۰ درصد دیگر از مردم ۲۱/۱۸ درصد از این داراییها را دارند ، ۲۰ درصد بانی جا معده مالک ۷۴/۸۵ درصد از ثروت های جا معده در این محدوده آمار هستند . جا لیبرتا اینکه ۲۰ درصد آخری را اگر خرید کنیم ، یک نکته قابل توجه تر است که ۱۰ درصد اول ۱۱/۶۸ درصد - ۱۵ درصد دومی - ۶۲/۱۷ درصد از داراییها را در اختیار دارند و جا لیبرتا اینکه ۱ درصد از این ۱۰ درصد مالک ۲۱/۱۸ درصد از این داراییها شده اند ! یعنی درست معادل گروه دوم . "

سزنگون باد جمهوری اسلامی ! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

برلین:

راهپیمائی در اعتراض به قتل یک جوان ترک بدست فاشیستها



صدای کارگر

راهپیمائی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
میکرد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگر ویژه کردستان:

★ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.

★ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار میشود.



پلیس برلین غربی - که در مدتی از آنان
عضو جریانی فاشیستی هستند - اعلام نموده است
که قتل با انگیزه‌ی ضد خارجی بودن رخ نداده است.
اما طبق اطلاعیه‌ها در شده در برلین ۳۰ در خانه
خود اسلحه نگهداری میکرد و گاه نیز با جوانان همفکر
خود برای تمرین تیراندازی به جنگل میرفت، او حتی
با رها از بالکن خانه‌اش، با تفنگ بادی بسوی بچه‌
های ترک نشانه‌گیری کرده و به آنها شلیک نموده
است."

از او فوک‌هاین، همسویک فرزند دو ساله
باقی ماندند. در اعتراض به این جنایت فاشیستی
روزشنبه ۲۳ مه تظاهرات بزرگی در برلین غربی بر
پا شد.

جمعه ۲۲ ماه مه، با ردیگر فاشیستهای برلین
غربی یکی از اتباع خارجی را به قتل رساندند.
او فوک‌هاین ۲۵ ساله، اهل ترکیه، در مرحله‌ای در
برلین غربی به ضرب چاقوی یک آلمانی بقتل
میرسد. شاهد عینی قتل می گوید:

"۳ در خانه من جوان آلمانی و دوست دخترش
بهنگام عبور از زیر ابرو فوک فریاد زدند که "با حضور
خارجی ها ما امنیت نداریم"، خارجی با دیدن دردم
شود، آلمان مال آلمانی هاست و...، اما او فوک
تنها عکس العملش این بود که به جوان آلمانی
بگوید: "ما هم انسان هستیم و تو از ما چه میخواهی؟"
اما جوان آلمانی در پاسخ به او فوک چاقوی از جیب
بیرون آورد و ضربه‌ای به او فوک زد که سبب قتل او
گردید."

اطلاعیه مطبوعاتی...

دیکتاتور ایران مرد، مردی که چهره اصلی سرکوب و ستم بر مردم ایران بود مرد، اما سیستم
قرون وسطائی او هنوز با برجاسته ایران به بیشترین حد دمکراسی نیاز دارد، اما تا زمانی که
رژیم خمینی با برجاسته این غیرممکن است ما از مردم ایران میخواهیم که نقش اساسی خود
را در برپائی دمکراسی و آزادی از طریق سرنگونی این رژیم ایفا نمایند.
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - روابط عمومی

۱۳۶۸/۳/۱۴

خبر مرگ خمینی را در آخرین لحظاتی که نشریه زیر چاپ بود دریاقت کردیم، از همین رومبلا درت
به درج اطلاعیه مطبوعاتی روابط عمومی سازمان نمودیم.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!